



مدرسان شریف

فصل اول

«انسان و ایمان»

خودشناسی

از مسائل مهم مربوط به انسان، شناخت خود «انسان» است. بنابراین انسان باید قبل از پرداختن به محیط پیرامون و مشاهده‌ی ظواهر طبیعت، سعی در شناخت خود بنماید. انسان؛ تنها با شناخت خود، قادر خواهد بود که خواش‌ها و امیال درونی خود را تحت کنترل قرار دهد و در راه کمال قدم بردارد. اما اگر غفلت بورزد و استعدادهای خود را شکوفا نسازد و فقط نیازهای مادی و نفسانی خود را برآورد، دچار ضرر و زیان شده، سرانجام از مرتبه‌ی انسانیت تنزل می‌یابد. روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، اخلاق، پزشکی، زیست‌شناسی و بیوشیمی ... هر کدام از دیدگاه خاص خود به موضوع «انسان» توجه دارند. منظور از شناخت انسان آن است که او دارای استعدادها و نیروهایی برای فهم خود و جهان و در نهایت «رسیدن به مرحله‌ی کمال انسانی» است. این استعداد مخصوص که برای «فهم و درک هستی» در وجود انسان قرار داده شده، استفاده از فعل و انفعالات عقل یعنی «تفکر» می‌باشد. انسان به وسیله‌ی این استعداد و قدرت تفکر، می‌تواند امکانات و قابلیت‌هایی که برای رشد و تکامل او آفریده شده را بشناسد، لذا بهتر می‌تواند سرمایه‌های وجودی خود؛ یعنی سایر استعدادهای ویژه و مخصوص انسان را به کمال برساند.

– قرآن کریم در آیات زیر انسان را به «خودشناسی» دعوت می‌کند:

۱- «انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است»

۲- «آیا انسان به یاد نمی‌آورد که «ما» او را آفریدیم و حال آنکه چیزی نبوده است»

۳- «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خود بپردازید» ...

قدیمی‌ترین سخن درباره‌ی توصیه به شناخت انسان را بر سرردر معبد دلفی نوشته بودند؛ با این عبارت که: «خود را بشناس». خودشناسی و انسان‌شناسی برای نخستین بار به همت سقراط حکیم در تاریخ «فلسفه» راه یافت. «کانت» از فیلسوفان قرن هفدهم اروپا گفته است: «انسان قبل از هر چیز باید به ارزیابی و شناخت دقیق توانایی شناخت خود بپردازد.»

– دلایل ضرورت خودشناسی عبارتند از:

۱- خودشناسی، مقدمه‌ای است برای رسیدن به کمال انسانی؛

۲- خودشناسی، مقدم بر جهان‌شناسی می‌باشد؛

۳- خودشناسی، مقدمه‌ای برای خداشناسی می‌باشد.

۴- خودشناسی، سبب حل بسیاری از مشکلات انسان می‌شود.

۱- مقدمه‌ی کمال انسانی

اگر انسان خود را بشناسد، از سرمایه‌های وجودی خویش بهتر می‌تواند بهره ببرد. زیرا نقطه‌ی آغاز برای رسیدن به کمال، شناخت سرمایه‌های وجودی انسان است. انسان به وسیله‌ی قدرت «تفکر» می‌تواند به حدود انسانیت و حقیقت وجودی و همچنین؛ نیازهای زندگی خود و راه‌های دستیابی به این حدود و حقیقت‌ها و نیازهای انسانی پی ببرد.

۲- پیش‌درآمد (پیش‌نیاز) جهان‌شناسی

شناخت جهان، پس از تعامل انسان با جهان خارج بدست می‌آید. از نخستین لحظاتی که انسان به صورت یک نطفه، حیات خود را آغاز می‌کند با جهان خارج از خود به تعامل می‌پردازد. بدین صورت؛ تغذیه می‌کند - اکسیژن می‌گیرد - فضا اشغال می‌کند و در مقابل؛ لحظات عمر خود را به عنوان بهایی گزاف برای این تعامل پرداخت می‌کند. انسان پس از شناخت استعدادها و توانمندی‌های خود، در می‌یابد که کالای مورد تعامل در این جهان تنها کالای مادی نیست بلکه باید از این امور، برای تعامل بزرگ‌تر به عنوان وسیله استفاده نماید. بهره‌مندی از امکانات مادی را می‌توان به عنوان پرداخت دنیا به صورت برگ چک به انسان تصور نمود و این انسان است که باید پس از دریافت این برگ چک، مراحل را بپیماید و به مراکز مراجعه کند تا بتواند دریافت واقعی و نقدی داشته باشد.



۳- مقدمه‌ی خداشناسی

خودشناسی یا انسان‌شناسی، مقدمه‌ی خداشناسی است؛ انسان‌ها به حکم فطرت، به سوی خداوند گرایش دارند. خودشناسی، مقدمه‌ی محبت و معرفت به خداوندست. انسان، موجودی وابسته و «ممکن‌الوجود» است که اگر خداوند که «واجب‌الوجود» است اراده کند ممکن‌الوجود، هست می‌شود و بار دیگر نیز؛ اگر خداوند اراده کند، «ممکن‌الوجود» نیست می‌شود «پس انسان با خودشناسی، به وجود خداوند پی می‌برد و همچنین؛ انسان در می‌یابد که خود، موجودی وابسته ممکن‌الوجود است پس برای هستی نیازمند «واجب‌الوجود» یعنی «خداوند» است. به این ترتیب، هنگامی که انسان به خودشناسی می‌پردازد وابستگی خود را به خداوند درمی‌یابد.

همچنین، انسان در تفکر خود می‌تواند به ساختار پیچیده‌ی خود بیندیشد و به این ترتیب، به خالق عالم و حکیم که در نهایت نظم ساختار وجودی انسان را آفریده است، آگاه گردد.

۴- حلال مشکلات انسان

یکی از دلایل اساسی شکل‌گیری بحران‌های روحی و فکری و اخلاقی انسان، عدم «شناخت» انسان می‌باشد.

موارد زیر می‌توانند به حل مشکلات انسان کمک نمایند:

- ۱- انسان «حقیقت» واقعی خود را دریابد؛
- ۲- انسان، «هدف» از خلقت خود را بداند.
- ۳- انسان، «رابطه‌ی» خود با خدا را بشناسد
- ۴- انسان، «موقعیت» خود در نظام هستی را درک کند،
- ۵- تأثیر زندگی دنیوی را بر آخرت خود درک کند؛
- ۶- به اخلاق نیکو دست یابد؛
- ۷- با دیگران رفتار و ارتباطی مناسب پیدا کند؛
- ۸- برای نقش ثروت در کیفیت زندگی، سهم و حدود مشخصی را تعیین کند؛
- ۹- تأثیر و نقش دردها و شادی‌ها را در زندگی بداند.

از جمله مکاتب ساخته و پرداخته‌ی دست بشر که به دلیل عدم شناخت انسان بوجود آمد عبارت است از:

- ۱- مکتب مادیرگرای ← ماتریالیسم
- ۲- مکتب آزادیخواهی ← لیبرالیسم
- ۳- مکتب نژاد پرستی ← نازیسم
- ۴- مکتب گوناگون تبعیض نژادی
- ۵- مکتب سرمایه‌داری ← کاپیتالیسم
- ۶- مکتب اصالت وجود «نفی خداوند» یا نفی «علت‌تامه» ← اگزیستانسیالیسم الحادی

حقیقت انسان: در ارتباط با حقیقت وجودی انسان دو دیدگاه کلی وجود دارد که عبارتند از: - دیدگاه مادی - دیدگاه الهی

۱- **دیدگاه مادی‌گرایانه:** در این دیدگاه، با استفاده‌ی محض از (حس و تجربه)، هستی انسان را در غلبه‌ی قوانین و پدیده‌های حاکم بر جهان ماده می‌دانند و شناخت انسان را تنها در محدوده‌ی جهان مادی مجاز می‌دانند. براساس این تحلیل، انسان پس از مرگ و از میان رفتن جسم، نابود شده و به نیستی می‌پیوندد.

۲- **دیدگاه الهیون:** شامل یک دیدگاه کلی و یک دیدگاه خالص قرآنی می‌باشد:

دیدگاه کلی: انسان «فراتر» از جسم مادی، از «روح» نیز برخوردار است. یعنی خداوند در هدایت و تعالیم خود فقط «روح» آدمی را خطاب قرار می‌دهد. جسم، فقط بعنوان یک ابزار و وسیله برای روح است به همین دلیل؛ پس از نابودی جسم، روح از بین نمی‌رود و حقیقت انسان را، همان «روح» او می‌دانند. دیدگاه قرآنی: قرآن کریم در آیاتی به دو ساحتی و یا دو بعدی و یا دو ارزشی بودن وجود انسان اشاره دارد. یعنی قرآن کریم، علاوه بر «روح» برای جسم انسان نیز ارزش قائل است و «روح» را، گرچه حقیقت وجودی انسان می‌داند اما جسم را نیز، با این حقیقت توأم و همراه می‌داند زیرا؛ در خلقت مجدد نیز برای پاداش یا مجازات، هر دو را توأمأ مورد خطاب قرار می‌دهد.

دلایل برتری روح بر جسم

الف) دلایل قرآنی ب) دلایل فلسفی

این مطلب را خداوند در قرآن کریم به روشنی بیان می‌فرماید:

« ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوْحِهِ »

بعد جسمانی + بعد روحانی = انسان

« سپس خداوند جسم انسان را موزون ساخت و از روح خود در وی دمید.»

- «سواء» از ریشه‌ی «سَوَّى» و کلمه‌ی «تسویه» نیز از مشتقات آن است. «تسویه» را می‌توان به دو طریق مورد بررسی قرار داد:

الف) **معنای لغوی:** در لغت عرب، برای شخصی که از نظر «صورت» در حد اعتدال قرار داشته باشد از کلمه‌ی «سَوَّى» و مشتقات آن استفاده می‌شود.

ب) معنا و مفهوم قرآنی: دو تعریف مترادف در کتاب برای مفهوم قرآنی کلمه‌ی «سوئی» ذکر شد که عبارت است از:

- خلقت اعضای بدن به صورت اعتدال و دور از افراط و تفریط؛

- تکمیل خلقت جسمانی و آفرینش ظاهری انسان.

قسمت دوم آیه، پس از قائل شدن اصالت (اصالت بخشیدن) برای جسم و بعد مادی انسان؛ به بعد روحانی که همان حقیقت انسان است می‌پردازد و با بیان این نکته که؛ پس از تکمیل خلقت جسمانی، خداوند از روح خود در آن می‌دمد، در حقیقت؛ بعد حقیقی انسان را متذکر می‌شود.

نکته ۱: نویسنده‌ی محترم کتاب، این نظریه را بیان می‌فرماید که قسمت دوم آیه، اشاره به اضافی تشریفی دارد.

اضافه‌ی تشریفی: یعنی مطلبی را به صرف شرافت و مقام، به موضوعی نسبت بدهند نه اینکه آن مطلب، درباره‌ی آن موضوع حقیقی باشد.

مانند: مکانی که در مکه توسط حضرت ابراهیم (ع) و به فرمان خداوند به نام «کعبه» بنا شد لذا؛ به دلیل شرافت و منزلت برتر، به آن خانه‌ی خدا می‌گویند و دمیده شدن روح خدا در انسان نیز اضافه‌ی تشریفی می‌باشد زیرا بیان این نکته از جانب خداوند به دلیل شرافت و منزلت انسان به سایر مخلوقات می‌باشد.

همچنین؛ در قرآن کریم برای تأکید بر این مطلب که حقیقت انسان همان روحی است که با بدن مادی همراه می‌باشد، از کلمه‌ی «تَوْفَى» در آیات مختلف استفاده شده است.

- «تَوْفَى» در آیات قرآن کریم به معنای اخذ و گرفتن می‌باشد.

- انسان در هنگام مرگ، روحش گرفته می‌شود و بدنش باقی می‌ماند و این، بیانگر حقیقتی است که در بالا ذکر شد یعنی؛ حقیقت انسان همان روح اوست.

فلاسفه، وجود «من» را که حقیقت انسان را شکل می‌دهد بسیط و غیرقابل تقسیم می‌دانند.

بسیط = بدون اجزا ← غیرقابل تقسیم ← مثل روح مرکب = دارای اجزا ← قابل تقسیم ← مثل جسم

روح و روان «ویژه‌ی انسان» حقیقتی است که انسان را از سایر مخلوقات متمایز می‌گرداند. و خود این حقیقت انسانی یعنی؛ روح دارای دو بعد می‌باشد:

۱- بعد ادراکی ۲- بعد گرایشی

ابعاد روح انسان

روح انسان، که دارای حقیقتی غیرمادی و جدا از جسم انسان است از دو بعد اصلی «ادراکی» و «گرایشی» تشکیل می‌شود.

۱- بعد ادراکی. ۲- بعد گرایشی

۱- **بعد ادراکی:** بعد ادراکی انسان که از توانائی شناخت برخوردار است از دو حوزه و عرصه‌ی نظری و عملی می‌باشد:

- شناخت نظری ← متعلق شناخت، حقیقت وجودی اشیاء؛ آن گونه که هستند یا خواهند بود.

- شناخت عملی ← متعلق شناخت، عمل انسان؛ از جهت «خوبی‌ها و بدی‌ها» یا «بایدها و نبایدها»؛ یعنی، علم به تکالیف و وظایف انسان.

نکته ۲: تقسیم‌بندی شناخت به «نظری» و «عملی» به لحاظ متعلق شناخت است؛ یعنی، آن چیزهایی که مورد شناخت قرار می‌گیرد نه در اصل

قوه و استعداد شناخت بعنوان ابزارهای شناخت.

شناخت نظری دارای دو نوع می‌باشد: ۱- علم حصولی ۲- علم حضوری

علم حصولی: همه شناخت‌های انسانی که از طریق حواس پنج‌گانه‌ی خارجی و با تجزیه و تحلیل عقلی برای انسان، حاصل می‌گردد. در علم حصولی؛ اشیاء و امور خارجی به واسطه‌ی تصاویر و مفاهیم ذهنی، مورد شناخت انسان قرار می‌گیرد نه حقیقت و خود اشیاء و امور، به طور مثال؛ در علم حصولی انسان نسبت به درخت، تصویر درخت در ذهن انسان ایجاد می‌شود نه خود درخت خارجی.

علم حضوری: علمی که در آن، حقیقت و ذات اشیاء بدون واسطه‌ی تصاویر و مفاهیم ذهنی، بطور مستقیم مورد شناخت انسان قرار می‌گیرد؛ مثل، علم انسان به احساسات و عواطف شخصی خود و در علم حضوری، اگر «خداوند» و امور مرتبط با خداوند، متعلق شناخت انسان قرار گیرد به آن «شهود عرفانی» می‌گویند.

شهود عرفانی: یعنی انسان آگاه و عارف بدون واسطه و بطور مستقیم به وجود خداوند پی می‌برد، چنانکه پیامبران، امامان و اولیای دین، تنها با دیدن اشیاء، خداوند را مشاهده می‌کردند و این مشاهده‌ی آنان از عمق و ژرفای معرفت آنها بوده است.

۲- **بعد گرایشی:** تمایلاتی هستند که هر یک از افراد انسانی به طور فطری و بی‌نیاز از دلیل و برهان از آنها بهره‌مند می‌شوند و انسان، آنها را به طور روشن و بدیهی احساس می‌نماید. البته این تمایلات ذاتی و فطری به واسطه‌ی عوامل بیرونی نظیر؛ القائات محیط و جامعه، تربیت و ... قابلیت شدت و ضعف دارند؛ مثل، میل به دانش و پرستش خدا.



گرایش‌های انسانی به دو صورت تقسیم می‌شوند: ۱- گرایش‌های حیوانی ۲- گرایش‌های انسانی.

۱- **گرایش‌های حیوانی:** آن دسته از تمایلاتی هستند که بین حیوان و انسان، مشترک است. مثل؛ تمایل به حفظ و دفاع از خود، میل به جنس مخالف و ... نام دیگر گرایش‌های حیوانی «غریزه» می‌باشد.

۲- **گرایش‌های انسانی:** آن دسته از تمایلاتی هستند که به انسان اختصاص دارد؛ مثل؛ میل و محبت به خداوند.

گرایش به خدا و دین‌ورزی

گرایش به خداوند، در عین حال که برای انسان فطری می‌باشد ممکن است به علت عوامل بیرونی، مورد غفلت یا خطا قرار گیرد، اما در صورت رفع موانع و با هوشیاری، قابل تجلی و رشد و کمال است. از این رو وظایف پیامبران، بیدار کردن و برانگیختن فطرت‌ها و گرایش‌های انسانی و الهی می‌باشد.

دیدگاه متفکران مغرب زمین: پژوهش‌های تاریخ نشان می‌دهد که انسانها از گذشته‌ی دور، با امر «پرستش» و نیایش مأنوس بوده‌اند.

دین‌پژوه معاصر «نینیان اسمارت» در کتاب «تجربه دینی» بشر چنین گفته است: «در سراسر تاریخ و در ورای نگاه‌های تاریک کهن‌ترین فرهنگ‌های نژاد بشری، «دین» مشخصه اصلی و فراگیر حیات بشری است. برای فهم تاریخ و حیات بشری، فهمیدن دین ضروری است.» این سخن «اسمارت» نشان می‌دهد که انسان‌ها از همان ابتدای خلقت، به صورت فطری به خداوند و امور ماوراء طبیعت اعتقاد و گرایش داشته‌اند. به گفته‌ی محققان و دانشمندان، آیین‌های دینی در دوران اولیه‌ی ماقبل تاریخ وجود داشته است، و به احتمال زیاد، مفهوم شیء مقدس (در قالب بت‌پرستی و اشیاء پرستی) از همان آغاز، بخشی از تجربه‌ی بشری بوده است.

قبل از ظهور نوع تکامل یافته بشر (هوموساپین‌ها) انسان نئاندرتال - حدود ۱۵۰ هزار سال پیش- مراسم خاکسپاری مردگان را به جا می‌آورده‌اند. لذا این موضوع، بر وجود اعتقاد به نوعی زندگی پس از مرگ و عالم غیب اشاره دارد.

«پل ادواردز» در دایرةالمعارف فلسفی خود، در مقاله‌ی «برهان اجماع عام بر وجود خدا» تعبیری از «هاج» نقل می‌کند:

«همه‌ی قوا و احساسات ذهنی و بدنی ما متعلقات مناسب به خود را دارند. وجود این قوا وجود آن متعلقات را ایجاد می‌کند. بنابراین چشم با این ساختار فعلی‌اش ایجاد می‌کند که نوری باشد که دیده شود و گوش بدون وجود صوت و صدا قابل تبیین نخواهد بود. به همین روش، احساس و میل مذهبی ما وجود خدا را ایجاد می‌کند.»

این سخن «پل ادواردز» نشان می‌دهد انسان‌ها چون از درون به خداوند و جهان بعد از مرگ اعتقاد دارند، باید پذیرفت که هم خداوند وجود دارد و هم جهان بعد از مرگ، وگرنه چنین استعدادها و قوایی عبث و بیهوده خواهد بود.

«ماکس شلر» نیز موارد زیر را گفته است:

۱- «لادری گری دینی، یک واقعیت روان‌شناختی نیست؛ بلکه گونه‌ای خودفریبی است» منظور از عبارت «لادری گری»، بی‌تفاوتی و سکوت در برابر ماوراء طبیعت می‌باشد.

۲- «این قانونی بنیادی است که هر روح متناهی یا به خدا اعتقاد دارد و یا به بت.»

۳- «این بی‌اعتقادی به بت است که نیازمند تبیین است، نه اعتقاد به خدا که ذاتی و فطری است.» یعنی؛ اعتقاد به خداوند امری بدیهی و فطری است و نیازمند بررسی نیست اما باید دلیل بت‌پرستی را پیدا کرد چون در باطن انسان ریشه ندارد.

۴- «اگر غریزه‌ی جنسی، راه ارضای طبیعی خود را پیدا نکند، کارآیی‌اش را از دست نمی‌دهد؛ بلکه به مجرای دیگر روی می‌آورد و کم‌تر لذت‌بخش می‌شود. می‌گویند: پرستش سازمان‌ها و خدایان انسانی، شبیه همین پدیده‌ی غیر طبیعی است.»

انسان و بحران‌های فرارو

زندگی انسان معاصر از جهات گوناگون با انسان‌های گذشته تفاوت دارد. پیشرفت علم و فناوری، اگرچه رفاه و آسایش ظاهری برای انسان فراهم نموده است، اما مشکلات و بحران جدیدی نظیر؛ بحران‌های معرفتی، اخلاقی، روانی و معنوی و الحادگرایی را فراروی انسان قرار داده است.

بحران معرفتی: برخی افراد، تنها ابزار شناخت را حس و تجربه می‌دانند و عالم را با پدیده‌های زمان‌مند و مکان‌مند برابر می‌دانند و «امور غیر مادی که با ابزار حسی قابل شناخت نیستند.» را انکار می‌کنند و روش مکانیکی و علمی را به تمام حوزه‌های شناخت دخالت می‌دهند. این روش، بر محدودیت شناخت در حوزه‌ی تجربه حسی و تعمیم‌های برگرفته از آن تأکید می‌کند. لازمه‌ی این روش آن است که امور غیر مادی از دایره‌ی شناخت انسانی بیرون بمانند و نتیجه‌ی چنین نگاهی به ابزار شناخت، مادی‌گرایی است. گروهی دیگر، مانند برخی عقل‌گرایان، ابزار شناخت را به ابزار «عقل» منحصر کرده‌اند و گروهی دیگر مانند برخی عارفان، ابزار شناخت را به ابزار «شهود عرفانی» محدود ساخته‌اند و از دو ابزار دیگر غفلت ورزیده‌اند.

اگر به درستی تفکر کنیم، در می‌یابیم که ابزار حسی و تجربی تنها ابزار شناخت نیست، بلکه قوه‌ی عقلانی و شهود عرفانی نیز از جمله‌ی راههای شناخت هستند. انسان با کمک قوه‌ی عقلانی می‌تواند از امور حسی به امور نامحسوس راه یابد و با کمک «شهود عرفانی»، بدون واسطه، امور غیرحسی را مشاهده نماید. لذا، محدود کردن ابزار شناخت به حس، عقل و یا شهود عرفانی، ناشی از عدم شناخت واقعی انسان است.

اگر شخصی، بعد روحی وجود خویش را بپذیرد، دلیلی برای انکار عالم غیر مادی در خود نمی‌بیند. با یک ابزار شناخت مانند حس و تجربه، نمی‌توان همه‌ی قلمرو شناخت را جستجو نمود. نتیجه‌ی تجربه‌گرایی؛ علم‌گرایی است که دانشمندان علوم تجربی به آن روی آورده‌اند و می‌کوشند که با علم، تمام واقعیت‌ها را تفسیر مادی کنند.

صاحبان این دیدگاه، فلسفه‌ای مادی‌گرایانه و انحصارگرایانه را در باب هستی پیش‌فرض خود قرار داده‌اند، در حالیکه وظیفه‌ی علوم تجربی، کشف رابطه‌ی دو پدیده‌ی مساوی است و نه چیز دیگر. دانشمندان علوم تجربی درباره‌ی مسائل فراتر از ماده سکوت می‌کنند و نمی‌توانند درباره‌ی آنها اظهار نظر نمایند و گروهی نیز از این سکوت سوءاستفاده کرده و آن را پشتوانه تفسیر مادی خود قرار داده‌اند.

- امور غیر مادی همان «متافیزیک» هستند.

- روش مکانیکی و علمی یعنی؛ روشی که هر حادثه‌ی مادی را بر حسب حادثه‌ی مادی پیشین تبیین می‌کند.

ماوراء = فراتر از؛

شهود عرفانی یعنی انسان عارف و آگاه، بدون واسطه و بطور مستقیم به وجود خداوند پی ببرد.

بحران اخلاقی

بدون تردید؛ انسان امروزی با بحران اخلاقی مواجه شده است. امروزه، جهان از رذایل اخلاقی رنج می‌برد و مواردی همچون؛ میگساری، شهوترانی، همجنس‌بازی، آزار و اذیت جنسی کودکان و نوجوانان، تجاوز به حقوق دیگران به بهانه‌ی حقوق بشر و دموکراسی، استثمار و استعمار ملت‌های ضعیف، محروم کردن ملت‌های مستقل از فناوری علمی، برده‌داری نوین، تزلزل کانون خانواده و نقض شخصیت واقعی زن از جمله‌ی این رذیلت‌هاست.

در دنیای امروزین، معیار و ملاک خوبی و بدی اخلاقی؛ لذت‌گرایی و سودگرایی مادی است. ریشه‌ی بحران اخلاقی، غفلت از ارزش غیرمادی وجود انسان و فضایل فطری او و عدم توجه به خداوند و تعالیم پیامبران الهی می‌باشد. راه نجات از این بحران، آن است که بار دیگر آدمی به خود روی آورد و تنها بُعد مادی وجود خود را در نظر نگیرد، بلکه به بعد معنوی و غیر مادی وجود خود و گنجینه‌های نهفته در آن نیز اهتمام جدی ورزد.

بحران روانی و معنوی

در جهان امروز، پیشرفت‌های روز افزون در علوم تجربی به خصوص در حوزه‌ی روان‌شناسی و روان‌کاوی بوده است؛ اما این علوم قادر نبودند مشکلات روحی و روانی انسان مانند اضطراب، فشارهای روانی و پوچی زندگی را درمان بخشند. انسان امروز، هویت خود را از دست داده است. مشکلات روانی و معنوی موجود، ناشی از آن است که آدمی، هویت و حقیقت انسانی خود را به خوبی نشناخته است و نقطه‌ی اتکا و آرامش خود، یعنی خداوند متعال را از دست داده است. انسان، موجودی امکانی و وابسته به خداوند است اما انسان امروزی این رابطه‌ی ذاتی خویش را نادیده گرفته است، غافل از اینکه حیات و تکامل و تعالی انسان در ذکر و ارتباط با خداوند است.

موجود امکانی همان ممکن‌الوجود است؛ یعنی موجودی وابسته که بودن و نبودن او یکسان است.

نقش دین در رفع بحران‌های انسانی

انسان قرن حاضر، به نقش «دین» در حل بحران‌ها پی برده است. بر اساس جدیدترین پژوهش‌های جامعه‌شناختی چه در آفریقای جنوبی و مکزیک که نسبتاً توسعه یافته‌اند و چه در آمریکا که به لحاظ مادی جزو جوامع پیشرفته‌اند بیش از نود و پنج درصد انسانها به وجود «خداوند» ایمان دارند. دوران امروز دوران بازگشت به دین است. دو مکتب بزرگ مادی‌گرایی و مادی‌نگری یعنی پوزیتیویسم یا آمپریسم در عرصه علم و اندیشه و مارکسیسم و کمونیسم در عرصه‌ی عمل، اقتصاد و اندیشه شکست خورده‌اند لذا، برای انسان امروزین مجال تأمل در معنویت فراهم شده است.

دین و بحران معرفتی

بر اساس آموزه‌های دینی، راه‌های شناخت عبارتند از: حس، عقل، شهود عرفانی و وحی الهی. انسان از طریق «عقل» ضرورت وحی را اثبات می‌کند، بسیاری از حقایق زندگی انسان را روشن می‌سازد و وحی الهی و آموزه‌های وحیانی نیز یا هماهنگ با عقل و یا مبتنی برآنند و به این لحاظ تمامی آنها عقلانی‌اند. انسان با کمک عقل و وحی است که می‌تواند به سعادت دنیوی و اخروی دست یابد. دین، نه تنها انسان را به حوزه خاصی از شناخت، محدود نمی‌کند بلکه افق روشن‌تری را پیش روی انسان می‌گشاید. افقی که عقل به تنهایی قادر به بازگشایی آن نیست.

- آموزه‌های وحیانی یعنی؛ دستورات الهی و معرفت‌های دینی. آموزه‌های وحیانی، علوم و معارفی هستند که از طریق وحی به پیامبر و سپس به ما می‌رسد.



دین و بحران اخلاقی

دین، همواره پشتوانه‌ی استوار برای اخلاق بوده و هست. خدا خالق انسان، راهنما و ناظر بر اعمال اوست. امر و نهی خدا در قالب وحی، برای سعادت انسان به دست او رسیده است، و پیامبران الهی، برای تحقق فضایل اخلاقی مبعوث شده‌اند. برای برخی افراد، پاداش و عقاب اخروی و تجسم اعمال در آخرت نیز انگیزه‌ای برای عمل به دستورها و میل به فضایل اخلاقی است. این انگیزه‌ها تضاد و منافاتی با اختیار انسان ندارد. البته، حوزه‌ی اخلاق و فضایل انسانی، اعم از ندای وجدان و فطرت و دستورات انبیا الهی است. بسیاری از مکاتب تلاش کرده‌اند که پشتوانه‌ی دیگری غیر از خدا برای اخلاق بسازند که موفق نبوده‌اند و نتوانسته‌اند فضایل اخلاقی را در جوامع خود حکمفرما کنند.

دین و بحران روانی

دین، پشتوانه‌ای محکم برای غلبه بر اضطراب‌های روحی است. بخش مهمی از عوامل روانی به موضوع استغنا (بی‌نیازی) از خدا و بی‌معنایی و بی‌هدفی زندگی باز می‌گردد و کسی که ایمان واقعی به خداوند دارد، برای همه‌ی حوادث اعم از سختی‌ها، آسانی‌ها، مشکلات، بیماری‌ها و شادی‌ها توجیه مناسبی دارد و هرگز برای آنچه از دست داده است غمگین نمی‌شود و به آنچه دارد دلبستگی شدید نشان نمی‌دهد.

قرآن کریم، در آیاتی زندگی تنگ و سخت را معلول روی گردانی از خداوند می‌داند.

روان‌شناسی تجربی نیز ثابت کرده است که ایمان دینی، در پیشگیری و درمان ناهنجاریهای روانی بسیار موثر است.

«کارل گوستاو یونگ» روان‌شناس سوئیسی قرن بیستم گفته است:

«در میان بیمارانی که در نیمه زندگی خود بودند، حتی یک بیمار وجود نداشت که مشکل او پس از نومی‌دی از همه وسایل دیگر، یافتن چشم‌اندازی دینی به زندگی نبوده باشد، با اطمینان می‌توان گفت که هر یک از آنان بیمار شده بودند زیرا چیزی را از دست داده بودند که ادیان زنده هر عصر به پیروان خود آموخته بودند و هیچ‌یک از آنان تا هنگامی که دیدگاه دینی خود را از نو باز نیافتند واقعاً شفا پیدا نکردند.»

این سخن «یونگ» نشان می‌دهد که عمده‌ی مشکل روحی جوامع غربی موضوع دین و خداوند است و انسان دچار نوعی سردرگمی روحی شده است.

ایمان

آرزوی هر انسانی، میل به سعادت و خوشبختی است و ایمان، راه رسیدن به این سعادت است. ایمان به آدمی نشاط، آرامش، اطمینان قلبی، معنا، امید، شجاعت و هدف می‌بخشد. قرآن کریم، ایمان را عامل رستگاری و از ویژگی‌های پرهیزگاران و هدایت یافتگان بر شمرده است. روان‌شناسان نیز پذیرفته‌اند که ایمان نقش مهمی در بهداشت روانی و درمان ناراحتی‌های روحی و روانی انسان دارد.

جایگاه واقعی ایمان طبق قرآن کریم، قلب انسان است و از ریشه اَمَن (امنیت یافتن) مصدر باب افعال است به معنای جای‌گیر شدن اعتقاد در قلب و یا اطمینان به چیزی که مفهوم ایمنی در کار را به همراه دارد. ایمان، عامل رستگاری و پرهیزگاری می‌باشد و امری است معنوی و حالتی روحانی از طریق علم حضوری؛ شناخت مسائل روحی و معنوی میسر است.

امام رضا (ع) می‌فرماید: «ایمان، تصدیق قلبی و اقرار زبانی و عمل به ارکان و اعضاست.» مطابق با معنای لغوی، اعتقاد و تصدیق قلبی به چیزی یا کسی ایمان نام دارد؛ شخص دارنده‌ی ایمان را «مؤمن» می‌خوانند.

ایمان و معرفت

از نظر قرآن کریم، رابطه‌ای مستقیم، میان ایمان و معرفت وجود دارد. قوم بنی‌اسرائیل، نمونه‌ی انسانهای دارای معرفت، اما فاقد ایمان بودند. ایمان، مبتنی بر معرفت و علم است؛ اما به دنبال معرفت، ایمان ضرورت پیدا نمی‌کند. یعنی چنین نیست که هر کسی از معرفت برخوردار است حتماً دارای ایمان نیز خواهد بود. ممکن است افرادی پیدا شوند که از معرفت بالایی برخوردار باشند اما ایمان نداشته باشند. همانطور که اشاره شد؛ قوم بنی‌اسرائیل، بر خدا و پیامبر خدا، معرفت و علم لازم را داشتند ولی به دلیل روحیه برتری‌جویی و ستم‌کاری آنان را انکار می‌کردند.

شیطان نیز، نمونه‌ی دیگر است از معرفت و علم بدون ایمان. او هزاران سال بندگی خدا می‌کرد، سرانجام، ایمان خود را از دست داد و راه کفر و عناد پیشه کرد و به اغواگری مردم پرداخت. در مقابل، برخی افراد هستند که ایمان بدون معرفت دارند. قرآن کریم، عمل چنین افرادی را بدون اجر و پاداش دانسته است.

«در دین اجبار و اکراه وجود ندارد و خداوند، راه درست را از راه انحراف روشن کرده است. بنابراین کسی که به طاغوت (بت و شیطان و هر موجود طغیانگر) کافر شود و به خدا ایمان آورد، به رشته‌ای محکم و استوار چنگ زده است.»

در آیه زیر خشیت الهی که از لوازم ایمان است، ناشی از علم و آگاهی به خداوند دانسته شده است:

«از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان، از او می‌هراسند.»

در اسلام، ایمان دینی، مبتنی بر شناخت و معرفت است؛ اما در مسیحیت، تقدم، با ایمان است؛ حتی برخی ایمان‌گرایان افراطی در مسیحیت، ایمان را مبتنی بر بی‌یقینی و عدم شناخت دانسته‌اند و ایمان و تعقل و شناخت را با همدیگر ناسازگار می‌شمارند و اعتقاد دارند که هر جا شناخت و معرفت باشد ایمان در کار نیست. دلیل اساسی این موضوع موج انحرافات است که در کتاب مقدس انجیل بوجود آمده است. از آنجا که آموزه‌هایی از قبیل تثلیث (سه خدایی، خدای پدر، خدای پسر و روح القدس)، با معیارهای عقل‌سازگاری ندارد، لذا چاره‌ای جز این ندیده‌اند که بگویند ایمان بیاورید تا بفهمید.

ایمان و عقل

در اسلام، ایمان دینی مبتنی بر عقل است. از دیدگاه اسلام، عقل و دین دو موهبت الهی‌اند که از جانب خدا داده شده است و با عقل و دین است که بشر می‌تواند به جاودانگی برسد. قرآن و سنت این موضوع را با تأکید پذیرفته‌اند. منظور از عقل در این بحث، عقل جزءنگر نیست بلکه کل نگر شهودی است که با عقل‌سازگاری دارد.

قرآن کریم در جایی فرموده است: «ما قرآن را به زبان عربی نازل کردیم شاید تعقل کنید.» همچنین در آیه‌ای دیگر، بدترین جانوران را کسانی ذکر کرده است که تعقل نمی‌کنند. همچنین در جای دیگر حتی اطاعت کورکورانه از پدر و مادر نیز نکوهش شده است. در زبان سنت، نیز احادیث بسیاری در اهمیت جایگاه عقل مطرح شده است. امام کاظم (ع) عقل را «رسول باطنی» ذکر کرده است. امام صادق (ع) عقل را راهنمای مؤمن دانسته است. همچنین امام صادق (ع) در حدیث دیگری فرموده است: «هر کس عاقل است دین دارد و کسی که دین دارد به بهشت می‌رود.»

از دیدگاه اسلام، گزینش دین و پیروی از آن، به وسیله «عقل» صورت می‌پذیرد. هیچ‌یک از فرق و گروه‌های اسلامی «عقلانیت» را به کلی انکار نکرده‌اند بلکه اختلاف آنها فقط در قلمرو و حیطة کارکرد «عقل» است.

رویکرد اهل حدیث:

هر چند رؤسای اهل حدیث، استدلال عقلی را در مسائل ایمانی حرام می‌دانستند، در حالی که ابن تیمیة حنبلی کتابی در تحریم منطق و کلام نوشته است؛ با این وجود نمی‌توان آنها را کاملاً مخالف عقل دانست؛ زیرا خود در برخی جهات رویکردی عقل‌گرایانه دارند و دین اسلام را در مقایسه با ادیان دیگر برتر و کامل‌تر دانسته‌اند. بیشتر آنان براهین عقلی اثبات وجود خدا را به درجات مختلف پذیرفته‌اند. اما هنگامی که پای به حریم دین می‌نهند به کارگیری «عقل» را در کشف احکام و معارف الهی انکار می‌کنند.

اهل حدیث حتی به ظاهر قرآن نیز پایبند نیستند؛ زیرا میان آنان گرایش‌های تجسمی و تشبیهی درباره خدا فراوان است. یعنی برای خدا دست و پا و چشم و ... در نظر گرفته‌اند.

رویکرد معتزله

در جهان اسلام، فرقه معتزله به عقل‌گرایی افراطی معروف هستند. روش آنان بکارگیری منطق و استدلال در فهم و درک اصول دین است. لازمه چنین روشی، اعتقاد، حجیت و حرمت دادن به استدلال عقلی است.

متأسفانه معتزله، تا آن حد پیش رفته است که «عقل» را برتر از قرآن کریم برشمرده است؛ در حالیکه تمام مسائل دینی را نمی‌توان با «عقل» توجیه کرد و نمی‌توان عقل را، معیار پذیرش تمام آموزه‌های وحیانی دانست. هر چند تمام آموزه‌های دینی - با واسطه یا بی‌واسطه - عقلانی هستند و هیچ‌یک از آنها ضدعقلانی نیستند ولی بسیاری از آنها، فوق عقلانی‌اند؛ یعنی، فراتر از عرصه و توانایی معرفتی عقل هستند. مثلاً نمی‌توان جزئیات معاد جسمانی را با عقل به اثبات رساند.

رویکرد اشاعره

اشعری‌ها سعی داشته‌اند میان نقل‌گرایی افراطی اهل حدیث و عقل‌گرایی افراطی معتزله موضع اعتدال را برگزینند اما خود نیز به جمودگرایی به معنای ضعف و رکود در به کارگیری قوه تعقل کشیده شده‌اند.

رویکرد شیعه:

تشیع، هم به جایگاه «عقل» حرمت می‌نهد و هم جایگاه «وحی» را محترم می‌شمارد. شهید مطهری می‌فرماید:

۱- مورخان اهل تسنن اعتراف دارند که عقل شیعی، از قدیم‌الایام عقل فلسفی بوده است، یعنی؛ تفکر شیعی استدلالی و تعقلی بوده است.

۲- تفکر شیعی نه انجماد حنبلی و اشعری را می‌پذیرد نه افراط در عقل‌گرایی معتزله را، زیرا تفکر معتزله، هر چند عقلی است ولی جدلی است نه برهانی.

(عقل جدلی، کارایی ندارد زیرا قانع‌کننده نیست و مبتنی بر اصول خاص عقل نمی‌باشد اما عقل برهانی، یقین‌آور است و امتناع کار خطابه است.)



۳- اکثریت قریب به اتفاق فلاسفه‌ی اسلامی، شیعه هستند؛ چون رویکرد این فرقه منطقی‌تر است. به نظر شیعه، احکام دین مستقیم و یا غیرمستقیم بر عقل مبتنی هستند. عقل؛ حجت الهی در نهاد آدمی است. احکام الهی به دو طریق در دسترس انسان قرار گرفته‌اند: یکی از طریق وحی و دیگری از طریق عقل. در اسلام، میان عقل و دین تعارض وجود ندارد، بلکه اگر تعارضی هست، بین احکام عقلی و احکام نقلی است که آن نیز با شیوه‌ای خاص قابل توجیه است. در حوزه‌ی اسلام، به عقل هم برای رجوع به دین و هم برای کشف احکام دینی اهمیت بسیار داده شده است. احکام دین برخی نیز مبتنی بر عقل هستند، چون حجّیت قوم معصوم که از طریق عقل به اثبات رسیده است.

در مسیحیت، رویکرد عقلی وجود ندارد و متفکران آن چاره‌ای جز این ندیده‌اند که تنها بگویند: «ایمان بیاورید تا بفهمید»، نه آنکه نخست بفهمید و سپس ایمان بیاورید. «کی‌یرکه‌گارد» از فلاسفه ایمان‌گرای مسیحیت می‌گوید: «ایمان دینی اصیل، هنگامی ظاهر می‌شود که عقل به پابان خود برسد» دلیل ایجاد چنین رویکردی در مسیحیت غیرعقلانی بودن برخی اصول آن از قبیل تثلیث است.

- انجماد = جمودگرایی؛ همان ضعف و رکود در استفاده‌ی از قوه‌ی تعقل است.

- انجماد حنبلی و اشعری: فرقه‌ی حنبلی؛ از اساس منکر بکاربردن استدلال در عقاید مذهبی بودند.

- فرقه‌ی اشعری: برای «عقل» اصالت قائل نبودند.

- جدل عبارت است از بحث و پرسش و پاسخی که به نحوی خاص بین دو نفر یا طرف ایجاد می‌شود. در جدل معمولاً مقصود این است که بطلان عقیده‌ی کسی را با استناد به معتقدات خود او و نیز مشهورات رایج معلوم و خصم را اسکان به سازیم.

ایمان و عمل

ایمان و عمل، ارتباطی نزدیک با یکدیگر دارند هر چند از نظر مفهوم متمایزند. در روایات ذکر شده است که خداوند، در میان ایمان و عمل؛ یکی بدون دیگری را نمی‌پذیرد و عمل، نمود ظاهری ایمان است. ایمان بدون عمل، ایمان راستین و نجات بخش نیست. همچنین در برخی روایات؛ عمل از ارکان ایمان شمرده شده است.

در سوره‌ی حجرات قرآن کریم اعراب بادیه‌نشین (صحرا نشین) را متهم به بی‌ایمانی نموده است که صرفاً به اسلام روی آورده‌اند. امام صادق (ع) درباره اینکے کمترین مرتبه‌ی ایمان چپست، فرموده‌اند: «اینکه آدمی به وحدانیت خدا و بندگی و رسالت محمد (ص) گواهی دهد و اطاعت از حق را بپذیرد و امام زمان خود را بشناسد. هرگاه چنین کرد او مؤمن است.» این سخن امام صادق (ع) نشان می‌دهد که ایمان حتی در بالاترین مرتبه‌ی آن بدون عمل صالح کارایی لازم ندارد. ایمان راستین همراه با عمل است. امام باقر (ع) از حضرت علی (ع) نقل می‌کند که مردی از ایشان پرسید: «یا هر کس به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر (ص) گواهی دهد مؤمن است؟ فرمود: «پس واجبات الهی چه می‌شود؟» همچنین در روایت دیگری از امام علی (ع) آمده است: «اگر ایمان، تنها بر زبان آوردن شهادتین بود روزه، نماز و هیچ حلال و حرامی تشریح نمی‌گشت.» بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت ایمان حقیقی، دارای مراتبی است و بالاترین مرتبه‌ی ایمان، ایمان همراه با عمل صالح است.

رابطه‌ی عمل و ایمان: هر عملی بر ایمان دلالت نمی‌کند. قرآن کریم، در سوره‌ی ابراهیم (ع) آورده است: «داستان اعمال کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدند، داستان خاکستری است که در روز طوفانی، بادی سخت بوزد که هیچ یک از آن خاکسترها را نمی‌توانند کسب کنند.»

همچنین در سوره‌ی نور، عمل کافران مانند سراب دانسته شده است: «کسانی که کفر ورزیدند، اعمالشان چون سرابی است در بیابان هموار که تشنه، آن را آب می‌پندارد.»

ایمان و اختیار

اختیار، امری بدیهی است و هر کس این عمل را به درستی درک می‌کند.

دلایل عمده‌ی اثبات اختیار عبارتند از:

- ۱- خشنودی و یا پشیمانی بعد از انجام یک کار؛
- ۲- نظام تفکر و تأمل؛
- ۳- نظام تعلیم و تربیت؛
- ۴- نظام جزا و پاداش.

انسان، از روی اختیار، به خدا ایمان می‌آورد و یا کفر می‌ورزد. اگر ایمان بیاورد، شایسته‌ی ستایش و اگر کافر گردد سزاوار مذمت می‌گردد. ایمان، مانند علمی نیست که گاه بدون اختیار، تصور و علم در انسان پدید آید. ایمان، امری اختیاری است، دارای ارزش است و اگر آدمی به اجبار ایمان می‌آورد ایمان او فاقد ارزش بوده است. انسان می‌تواند بر اثر تأمل و تفکر به دین حق، ایمان بیاورد و سعادت دنیا و آخرت خویش را تأمین کند و می‌تواند از سر اختیار کفر بورزد و دین خدا و راه هدایت را انکار کند و سرنوشت هلاکت بار برای خود رقم زند. قرآن کریم، در سوره‌ی اعراف به صراحت کفر را مذمت می‌کند و نشان می‌دهد که انکار ایمان، از سر اختیار است و گرنه مذمت افعال (کارهای) غیر اختیاری معنا ندارند:

«کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و از پذیرفتن آنها تکبر ورزیدند، درهای آسمان بر ایشان گشوده نمی‌شود و در بهشت در نمی‌آیند و ...»



متعلقات ایمان

تعلقات مختلفی برای ایمان وجود دارد؛ اما همه آنها از ایمان به خدا ناشی می‌شوند، مانند اعتقاد به نبوت، معاد، امامت، قرآن، کتب الهی پیشین و ... از لوازم ایمان به خداوند است چون خداوند، رب انسان است و یکی از صفات او حکمت است. به اقتضای ربوبیت و حکمت، لازم است که پیامبران را برای هدایت انسان‌ها برانگیزد، ایمان به خدا ایمان به انبیا را در پی دارد. ایمان به کتاب الهی و ملائکه و امامت، از لوازم ایمان به رسالت است. همچنین، وجود معاد به دنبال صفت حکمت و عدالت اوست؛ زیرا پاداش و کیفر هر کس را متناسب با عملش به او عطا می‌کند و این پاداش و کیفر جز در قیامت ممکن نیست، و حکمت خدا نیز اقتضا دارد که عالم، منحصر به این عالم مادی نباشد.

قرآن کریم در آیات مختلف، متعلقات زیر را برای ایمان بر شمرده است:

- | | | |
|------------------------------------|---------------------|-----------------------------|
| ۱- ایمان به خدا؛ | ۲- ایمان به آخرت؛ | ۳- ایمان به رسالت پیامبران؛ |
| ۴- ایمان به قرآن و کتب الهی پیشین؛ | ۵- ایمان به ملائکه؛ | ۶- ایمان به امامت؛ |
| ۷- ایمان به عالم غیب | | |

ایمان به خدا، نبوت و معاد از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و جزو اصول دین می‌باشند و دیگر متعلقات؛ از لوازم اعتقاد به این اصولند و همه‌ی این متعلقات از لوازم ایمان به خداوند هستند.

عالم غیب، در مقابل عالم شهادت قرار دارد. عالم غیب، از طریق حواس قابل درک نبوده در حالیکه، عالم شهادت قابل درک ظاهری می‌باشد. تمام اشیاء و موجودات مادی پیرامون ما عالم شهادت هستند. ایمان به غیب، جداکننده‌ی نگرش دینی از نگرش الحادی (بی‌دینی) و مادی‌گرایانه است. انسان با تأمل عقلانی و شهود قلبی می‌تواند به این عالم نفوذ یابد و از طریق عقل، وجود برخی اوصاف آن را اثبات نماید و از رهگذر مشاهدات قلبی می‌تواند بیشتر در این عالم پیش رود. لذا قرآن کریم، جایگاه ایمان را قلب انسان دانسته است. شهود قلبی: درک و دریافت هستی و ماوراء هستی از طریق باطن و درون انسان.

درجات ایمان

ایمان، حقیقتی است دارای درجات مختلف و چنین نیست که اهل ایمان در درجات ایمان یکسان باشند. هر چه ایمان فرد، قوی‌تر باشد ظرفیت وجودی او بیشتر بالا می‌رود. بالاترین مرتبه‌ی ایمان، آن است که فرد به درجه‌ی «عصمت» برسد. عصمت دارای دو بعد است: عصمت از گناه و عصمت از خطا. عصمت از گناه؛ یعنی پرهیز از هرگونه گناه، و عصمت از خطا؛ یعنی پرهیز از هرگونه اشتباه و خطا لذا چنین فردی هدفی جز رضایت خداوند ندارد. از آنجا که ایمان مبتنی بر معرفت است، جلوه‌ی آن عمل صالح است. چون معرفت مؤمن عمیق‌تر گردد و عمل صالح او بیشتر شود ایمان او نیز استواری بیشتری می‌یابد.

در قرآن کریم در آیات مختلف به مراتب و درجات ایمان اشاره شده است:

بر اساس آیات قرآن کریم، خداوند «سکینه» را که به معنای آرامش و اطمینان خاطر است بر قلب مؤمنان نازل می‌فرماید تا از شک و تردید و وحشت در طوفان حوادث نجات یابند و از ایمانی افزون‌تر نصیب برند.

در روایات نیز، بزرگان معصوم (ع) گواهی می‌دهند که ایمان دارای مراتب و درجات است چنانکه امام صادق (ع) فرموده است: «ایمان مانند نردبانی است که ده پله دارد و پله‌های آن یکی پس از دیگری پیموده می‌شود.»

— راههای توانمند کردن ایمان عبارتند از:

- ۱- در برابر اوامر و نواهی خداوند تسلیم محض گردد؛ نه آنکه به برخی احکام ایمان آورد و به برخی دیگر کفر ورزد؛
- ۲- به متعلقات ایمان، علم یابد و بر این علم خویش پیوسته بیفزاید و دلایل مستحکم و روشنی برای آن پیدا کند و اگر با شک و شبهاتی مواجه است، با دلایل روشن آنها را از میان بردارد؛
- ۳- به متعلقات ایمان، بیشتر توجه کند و پیوسته به یاد خدا و قیامت باشد؛
- ۴- بکوشد تا به لوازم ایمان پایبند باشد. اگر ایمان دارد که خداوند ناظر اعمال و کردار آدمی است، در برابر چنین خدایی، گناه نکند و اگر می‌داند که در قیامت به همه‌ی کارهای خوب و بد انسان رسیدگی می‌شود، خود را از قیل آماده کند.



آیات و روایات فصل اول

۱- «كَيْفَ يَعْرِفُ غَيْرَهُ مَنْ يَجْهَلُ نَفْسَهُ.» (امام علی (ع))

«کسی که خود را نمی‌شناسد، چگونه غیر خود را تواند شناخت؟!»

پیام حدیث: خودشناسی مقدمه‌ی دیگر شناسی است.

۲- «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ كَانَ لِعَيْبِهِ أَعْرَفَ وَ مَنْ جَهَلَ نَفْسَهُ كَانَ بَعِيْرَهُ أَجْهَلُ.» (امام علی (ع))

«کسی که خود را بشناسد، دیگری را بهتر می‌شناسد و کسی که به خود، جاهل است به دیگران، جاهل‌تر است»

پیام حدیث: شناخت خود، مقدم بر دیگر شناخت‌ها است.

۳- «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ.» (امام علی (ع))

«هر کس خود را بشناسد، پروردگارش را می‌شناسد.»

پیام حدیث: خودشناسی مقدمه‌ی، خداشناسی است.

۴- «تُمْ سَوَاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ.»

«سپس [خدا]، اندام انسان را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید.»

پیام آیه: به ترتیب اشاره به اعتدال در خلقت جسم و اضافه‌ی تشریفی «روح» دارد.

۵- «اللَّهُ يُتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا.»

«خدا، روح مردم را هنگام مرگشان به تمامی باز می‌ستاند»

پیام آیه: قرآن کریم، کلمه‌ی «توفی» را برای مرگ بکار برده است. حقیقت وجود انسان روح است.

۶- «قُلْ يَتُوفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وَاكَلَتْ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ.»

«بگو: فرشته مرگ که بر شما گمارده شده است شماها را می‌ستاند و آنگاه به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید.»

پیام آیه: به عمل «ملائکه» اشاره دارد که «روح» انسان را دریافت و وارد عالم برزخ می‌نمایند. پس حقیقت انسان همان است و بعد از آن چیزی

برای انسان روی زمین نمی‌ماند.

۷- «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ.»

«هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندارید؛ بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»

پیام آیه: حقیقت وجود انسان «روح» است و در عالم برزخ حیات وجود دارد. آنچه از انسان بعد از مرگ به حیات ادامه می‌دهد روح است پس

حقیقت انسان است.

۸- «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.»

«من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را به اوج خود برسانم.»

پیام آیه: راه غلبه بر بحران اخلاقی توجه به مکارم اخلاقی انبیاء (ع) است.

۹- «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا.»

«و هر کس از یاد من روی بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگی خواهد داشت.»

پیام آیه: علت بحران روانی دوری از ذکر خداوند است.

۱۰- «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.»

«آگاه باشید که با یاد خدا است که دلها آرام می‌گیرد.»

پیام آیه: بازگشت به خدا؛ راه غلبه بر بحران روحی است.

۱۱- «وَجَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا.»

«و با آنکه دل‌هایشان بدان یقین داشت، از روی ظلم و تکبر آن را انکار کردند.»

پیام آیه: معرفت بدون ایمان.

۱۲- «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ.»

«بدترین جنبندگان نزد خدا کسانی هستند که کر و لال‌اند؛ (یعنی کسانی که) اصلاً تعقل نمی‌کنند.»

پیام آیه: بدترین موجودات، انسان‌هایی هستند که با وجود عقل؛ حاضر به تفکر نیستند. (بیان جایگاه و حجیت عقل)

۱۳- «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ.»

«آن‌گاه گویند که اگر ما سخن انبیا را شنیده بودیم یا به دستور عقل رفتار می‌کردیم، امروز از دوزخیان نبودیم.»

پیام آیه: علت گرفتار شدن به آتش جهنم؛ عدم توجه به «عقل» دانسته شده است.

۱۴- «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كُنَّا آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ.»

«و هنگامی که به آنها گفته شود: از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید! می‌گویند نه ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم پیروی می‌نماییم؛

آیا اگر پدران آنها وجود نداشتند، خود چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نمی‌شدند؟!»

پیام آیه: شرط هرگونه هدایتی، پیروی از «عقل» دانسته شده است.

۱۵- «يَا هِشَامُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ: حُجَّةَ ظَاهِرِهِ وَ حُجَّةَ بَاطِنِهِ فَمَا الظَّاهِرُ فَالرسول و الانبياء و الائمه عليهم السلام و اما الباطنة فالعقول.»

(امام کاظم(ع))

«خداوند بر مردم دو حجت دارد: حجت آشکار و ظاهری و حجت باطنی. حجت آشکار، رسولان و انبیا و امامانند، و اما حجت باطنی عقل مردم است.»

پیام حدیث: حجت آشکار؛ انبیا و اولیا هستند و حجت پنهان؛ عقل است. (حجیت عقل را تبیین می‌کند و تأکید روی حجیت عقل است)

۱۶- «الْعَقْلُ دَلِيلُ الْمُؤْمِنِ.» (امام صادق(ع))

«عقل، راهنمای مؤمن است.»

پیام حدیث: همراهی عقل با ایمان.

۱۷- «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ.»

«خدا، به هیچ چیزی همانند نیست.»

پیام آیه: پاسخ به اهل حدیث در مورد جسم پنداشتن خداوند است. (انکار جسمانیت خدا)

۱۸- «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا.»

«بادیه‌نشینان گفتند: ایمان آورده‌ایم. بگو، ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگویید اسلام آورده‌ایم.»

پیام آیه: عمل بدون ایمان.

۱۹- «وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ.»

«بگو، دین حق، همان است که از جانب پروردگار شما آمد؛ پس هر که می‌خواهد ایمان آورد (و این حقیقت را پذیرا شود) و هر کس می‌خواهد کافر گردد.»

پیام آیه: اختیار و مسئولیت‌پذیری انسان و یا به «اختیاری بودن ایمان» اشاره دارد.



۲۰- «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا.»

«بگویند هیچ معبودی جز خدای یگانه نیست؛ تا رستگار شوید.»

پیام آیه: تمامی متعلقات ایمان، از ایمان به خدا ناشی می‌شوند.

۲۱- «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ.»

«مؤمنان، همان کسانی هستند که چون خدا یاد شود، دل‌هایشان بترسد؛ و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می‌کنند.»

پیام آیه: به درجات و مراتب ایمان اشاره دارد.

۲۲- «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ.»

«او است آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند.»

پیام آیه: درجات و مراتب ایمان.

تست‌های طبقه‌بندی شده فصل اول

کله ۱- با تدبیر در آیات شریفه‌ی (ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ) و (اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا) مقصود از «سوی» و «توفی» به ترتیب کدام است؟

(سراسری ۸۷ - نوبت صبح)

- ۱) تکمیل خلقت جسمانی و پردازش ظاهری انسان - ملک‌الموت هنگام مرگ، روح آدمی را می‌ستاند.
- ۲) خدا در بدن انسان روح می‌دمد تا خلیفه الله شود - ملک‌الموت هنگام مرگ روح آدمی را می‌ستاند.
- ۳) تکمیل خلقت جسمانی و پردازش ظاهری انسان - فرشته‌ی مرگ، حقیقت انسان (روح و جسم) را می‌ستاند.
- ۴) خدا در بدن انسان روح می‌دمد تا خلیفه الله شود - فرشته‌ی مرگ، حقیقت انسان (روح و جسم) را می‌ستاند.

کله ۲- از آیه‌ی (و من أعرض عن ذکری فأن له معیشتةً ضنکاً) کدام مفهوم مستفاد می‌گردد؟

(سراسری ۸۷ - نوبت صبح)

- ۱) دین، پشتوانه‌ی مستحکمی برای غلبه بر اضطراب‌های روانی انسان است.
- ۲) دین همواره پشتوانه‌ی محکمی برای تحقق فضایل اخلاقی در انسان بوده است.
- ۳) براساس آموزه‌های دینی، آدمی از طریق عقل ضرورت وحی را اثبات می‌نماید.
- ۴) اگر انسان به درون خود بنگرد عالم را منحصر به ماده نخواهد دانست تا دچار بحران شود.

کله ۳- مرتبه‌ی برتر ایمان، آن است که فرد به درجه می‌رسد و هدفی جز رضایت خداوند ندارد. این ایمان مبتنی بر است و جلوه آن،

(سراسری ۸۷ - نوبت صبح)

..... است.

- ۱) عصمت - رسالت - آرامش
- ۲) باور قلبی - معرفت - آرامش
- ۳) باور قلبی - رسالت - عمل صالح
- ۴) عصمت - معرفت - عمل صالح

کله ۴- از آیه‌ی شریفه‌ی «قل یتوفأکم ملک الموت الذی وکل بکم ثم الی ربکم تُرجعون» موضوع مفهوم می‌گردد.

(سراسری ۸۷ - نوبت عصر)

- ۱) آمیختگی جسم و روح در حیات و ممات
- ۲) آمیختگی جسم و روح در حیات نه در ممات
- ۳) استقلال وجودی روح از بدن پس از فوت
- ۴) استقلال وجودی روح از بدن در حیات و ممات

کله ۵- از آیه‌ی «و قل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر» مفهوم می‌گردد که

(سراسری ۸۷ - نوبت عصر)

..... است.

- ۱) ایمان و کفر انسان، در عرض اراده‌ی خداوند و اختیاری است.
- ۲) ایمان و کفر انسان، در طول اراده‌ی خداوند و اختیاری است.
- ۳) دین الهی، انسان را در ایمان و کفر یک موجود مسؤول می‌داند.
- ۴) خداوند به صراحت کفر را مذمت و انسان را دعوت به ایمان می‌کند.

کله ۶- هر گاه «متعلق شناخت» «بایدها و نبایدها»، یا اشیاء، آن گونه که هستند یا خواهند بود، باشد، به ترتیب ادراک و ادراک رقم می‌خورد

(سراسری ۸۸ - نوبت صبح)

و از دقت در این کلام امیر مؤمنان - علی علیه‌السلام که می‌فرماید: «من خدایی را که نبینم عبادت نمی‌کنم» به کدام مورد پی می‌بریم؟

(سراسری ۸۸ - نوبت صبح)

- ۱) عملی - نظری - قوه‌ی شناخت، با واسطه است و علم حصولی، حاصل است.
- ۲) نظری - عملی - قوه‌ی شناخت، با واسطه است و علم حصولی، حاصل است.
- ۳) عملی - نظری متعلق شناخت بدون واسطه است و علم حضوری و شهود عرفانی حاصل است.
- ۴) نظری - عملی - متعلق شناخت بدون واسطه است و علم حضوری و شهود عرفانی حاصل است.

کله ۷- تأکید انحصاری به عقل یا شهود در مسأله‌ی شناخت، سودگرایی مادی و پوچ‌گرایی و بی‌معنا بودن زندگی به ترتیب، پدیدآور بحران‌های و

(سراسری ۸۸ - نوبت صبح)

..... و در عصر حاضر است.

- ۱) معرفتی - روانی - معنوی
- ۲) روانی - معرفتی - اخلاقی
- ۳) روانی - اخلاقی - معرفتی
- ۴) معرفتی - اخلاقی - معنوی



کلمه ۸- از دقت در آیهی شریفه‌ی: «لاَکراه فی الدِّینِ قد تبیین الرشد من العیّ» و آیهی شریفه‌ی: «أَنتَما یخشی الله من عباده العلماء» به ترتیب، کدام مورد مفهوم می‌گردد؟

(سراسری ۸۸ - نوبت صبح)

- (۱) انسان، در قبول رشد و غیّ، مختار است - خشیت و عبودیت، لازم و ملزوم یکدیگرند.
- (۲) ایمان بدون شناخت میسر نیست - خشیت که از لوازم ایمان است، ناشی از علم و آگاهی است.
- (۳) ایمان بدون شناخت میسر نیست - عبودیت و بندگی در پیشگاه خداوند از لوازم ایمان به خداوند است.
- (۴) انسان، در قبول رشد و غیّ، مختار است - عبودیت و بندگی در پیشگاه خداوند از لوازم ایمان به خداوند است.

کلمه ۹- از دقت در آیهی شریفه‌ی: «إِنَّ الدِّینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفْتَحُ لَهُم اَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ لَا یَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ.....» کدام مورد مفهوم دریافت می‌گردد؟

(سراسری ۸۸ - نوبت صبح)

- (۱) ملازمه‌ی ایمان و عمل، آن هم عمل صالح جامع الأطراف است.
- (۲) ملازمه‌ی ایمان و اختیار به دلیل مذمت کفر که مذمت افعال غیر اختیاری معنا ندارد.
- (۳) تکذیب آیات خداوند، استکبار را به دنبال دارد و فرجام این دو شقاوت اخروی است.
- (۴) درهای بهشت رحمت و غفّاریت خداوند بر روی مستکبران مخالف نبوت انبیاء، برای همیشه بسته می‌ماند.

کلمه ۱۰- توجه در این سخن امام صادق علیه‌السلام که فرموده است: «ایمان مانند نردبانی است که ده پله دارد و پله‌های آن یکی پس از دیگری پیموده می‌شود» راه فهم را بر..... که هم‌آهنگ با آیهی شریفه‌ی..... می‌باشد، می‌گشاید.

(سراسری ۸۸ - نوبت صبح)

- (۱) ذو مراتب بودن ایمان - «و اذا تُلیت علیهم آیاته زادتهم ایماناً»
- (۲) هم‌گامی ایمان و عمل - «لذا تُلیت علیهم آیاته زادتهم ایماناً»
- (۳) ذو مراتب بودن ایمان - «أَنتَما المؤمنین الذّین اذا ذکر الله و جلت قلوبهم»
- (۴) هم‌گامی ایمان و عمل - «أَنتَما المؤمنین الذّین اذا ذکر الله و جلت قلوبهم»

کلمه ۱۱- اگر گفته شود: «خودشناسی، مقدمه‌ی محبت و معرفت به خدا است» و اگر گفته شود: «پیش درآمد جهان‌شناسی، خودشناسی است» این دو مفهوم به ترتیب از دقت در کدام مورد اثبات می‌شود؟

(سراسری ۸۸ - نوبت عصر)

- (۱) من عرف نفسه عرف ربه - هلک امره لم یعرف نفسه
- (۲) کیف یعرف غیره من یجهل نفسه - من جهل نفسه کان بغیره اجهل
- (۳) من عرف نفسه عرف ربه - کیف یعرف غیره من یجهل نفسه
- (۴) کیف یعرف غیره من یجهل نفسه - من عرف نفسه کان لغیره اعرف

کلمه ۱۲- عدم دگرگونی در آفرینش الهی، نسبت به انسان این است که از زبان علی علیه‌السلام بگوییم: و علی علیه‌السلام، وظیفه‌ی پیامبران را معرفی فرموده است.

(سراسری ۸۸ - نوبت عصر)

- (۱) الهی من لی غیرک اسأله کشف ضریّ - بیدار کردن و برانگیختن گنجینه‌های فطرت آدمی
- (۲) خداوندا تو قلبها را بر محبت خود آفریده‌ای - بیدار کردن و برانگیختن گنجینه‌های فطرت آدمی
- (۳) الهی من لی غیرک اسأله کشف ضریّ - دعوت به قیام برای برپایی عدالت و قسط در مجتمع انسانی
- (۴) خداوندا تو قلبها را بر محبت خود آفریده‌ای - دعوت به قیام برای برپایی عدالت و قسط در مجتمع انسانی

کلمه ۱۳- آن جا که تمسک به دین و هم‌آهنگی آموزه‌های وحیانی با عقل و شهود عرفانی دست‌مایه‌ی انسان قرار گیرد و اعتقاد به پاداش و عقاب اخروی و تجسم اعمال در انسان حاکم باشد و زندگی را محل آزمایش و ابتلاء برای خود محسوب بدارد، به ترتیب، بحران‌های و در پرتو دین، درمان می‌پذیرد.

(سراسری ۸۸ - نوبت عصر)

- (۱) معرفتی - اخلاقی - روانی
- (۲) اخلاقی - معرفتی - روانی
- (۳) روانی - اخلاقی - معرفتی
- (۴) روانی - معرفتی - اخلاقی

کلمه ۱۴- از دقت در آیهی شریفه‌ی: «قالت الأعراب آمناً قل لم تؤمنوا و لکن قولوا اسلمنا» و از توجه در آیهی شریفه‌ی: «مَثَلُ الذِّینِ کَفَرُوا اَعْمَالُهُمْ کَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّیحُ فِی یَوْمٍ عاصِفٍ» به ترتیب، کدام مفهوم دریافت می‌شود؟

(سراسری ۸۸ - نوبت عصر)

- (۱) ملازمه‌ی ایمان و عمل - بی‌ثباتی کفر و شرک
- (۲) تقدّم ایمان بر اسلام - ملازمه‌ی ایمان و عمل
- (۳) تقدّم ایمان بر اسلام - ملازمه‌ی ایمان و عمل
- (۴) تقدّم ایمان بر اسلام - ملازمه‌ی ایمان و عمل



کله ۱۵- از این که رسول خدا (ص)، آغاز دعوت خود را با عبارت «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» شروع فرمود، به اهمیت کدام موضوع، پی می‌بریم؟

(سراسری ۸۸ - نوبت عصر)

- (۱) ایمان به عالم غیب در برابر عالم شهود، حد فاصل نگرش دینی از الحادی و مادی‌گرا است.
- (۲) متعلقات ایمان، مصداق‌های فراوان دارد که همه‌ی آن‌ها به «توحید و ایمان به خدا» برمی‌گردد.
- (۳) اعتقاد به نبوت، معاد، امامت، قرآن، کتب الهی پیشین و فرشتگان از متعلقات ایمان است.
- (۴) قبول رسالت انبیای الهی، فلاح و رستگاری به دنبال دارد که حاکی از حکمت و ربوبیت خداوند است.

کله ۱۶- با توجه به حدیث شریف «کیف يعرف غیره من یجهل نفسه» کدام مفهوم مستفاد می‌گردد؟

(سراسری ۸۹ - نوبت صبح)

- (۱) خودشناسی پیش درآمد جهان‌شناسی است.
- (۲) خداشناسی مقدمه‌ی خودشناسی است.
- (۳) خودشناسی مقدمه‌ی خداشناسی است.
- (۴) خداشناسی پیش درآمد کمال انسانی است.

کله ۱۷- از ترجمه‌ی آیه «از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌هراسند» موضوع که از لوازم است ناشی از است.

(سراسری ۸۹ - نوبت صبح)

- (۱) مشیت‌الهی - ایمان - معرفت حقیقت انسان
- (۲) خشیت‌الهی - علم - ایمان و اعتقاد به خداوند
- (۳) خشیت‌الهی - ایمان - علم و آگاهی به خداوند
- (۴) مشیت‌الهی - علم - معرفت حقیقت انسان

کله ۱۸- ایمان مبتنی بر است و جلوه آن است و مرتبه‌ی برتر ایمان آن است که فرد به درجه برسد.

(سراسری ۸۹ - نوبت صبح)

- (۱) اقرار - عمل صالح - عصمت (۲) اقرار - سعادت - یقین (۳) معرفت - سعادت - یقین (۴) معرفت - عمل صالح - عصمت

کله ۱۹- با توجه به ترجمه‌ی آیه «و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است و در وجود خود شما، آیا نمی‌بینید؟» کدام مفهوم مستفاد می‌گردد؟

(سراسری ۸۹ - نوبت عصر)

- (۱) خداشناسی مقدمه خودشناسی است.
- (۲) خودشناسی مقدمه‌ی جهان‌شناسی است.
- (۳) خودشناسی مقدمه‌ی خداشناسی است.
- (۴) خداشناسی مقدمه‌ی کمال انسانی است.

کله ۲۰- از آیه‌ی «الله یتوفی الانفس حین موتها» موضوع مفهوم می‌گردد.

(سراسری ۸۹ - نوبت عصر)

- (۱) حقیقت آدمی، همان روح غیر مادی است که هنگام مرگ فرشته مرگ آن را می‌ستاند
- (۲) بعد از مرگ پس از مدتی بدن مادی متلاشی می‌شود و روح در عالم قیامت به حیات خود ادامه می‌دهد.
- (۳) خداوند حقیقت آدمی را که همان روح و جسم است هنگام مرگشان به تمامی باز می‌ستاند.
- (۴) روح که نیمی از انسانیت انسان است توسط فرشته مرگ بی‌کم و کاست دریافت می‌گردد.

کله ۲۱- از دقت در آیه‌ی شریفه‌ی: «وَأُولَا یَذکرُ الْانسانُ أَنَا خَلقناه مِنْ قَبْلُ و لَمْ یَکُ شَیْئاً» به اهمیت دادن دین مبین اسلام به موضوع که

(سراسری ۹۰ - نوبت صبح)

نتیجه‌اش پی می‌بریم.

- (۱) خودشناسی - توجه به خالقیت غیرقابل انکار خداوند در ایجاد است.
- (۲) تذکر و تنبّه - توجه به خالقیت غیر قابل انکار خداوند در ایجاد است.
- (۳) خودشناسی - آگاهی در به کار انداختن سرمایه‌های وجودی منتج به کمال است.
- (۴) تذکر و تنبّه - آگاهی در به کار انداختن سرمایه‌های وجودی منتج به کمال است.

کله ۲۲- از دقت در آیه‌ی شریفه‌ی: «وَ اذْقال رَبِّکَ لِلْملائِکَةِ اِنِّی خالِقُ بشراً مِنْ صلصالٍ مِنْ حَمأٍ مسنونٍ * فاذا سوَّیْتَهُ و نَفَخْتُ فیهِ مِنْ رُوْحِی فَفَعَّواله ساجدین» به

(سراسری ۹۰ - نوبت صبح)

..... و است، پی می‌بریم.

- (۱) دو بُعدی بودن وجود انسان - حقیقت وجودی او که روح‌الهی
- (۲) کارگزاری فرشتگان در نظام آفرینش - حقیقت وجودی او که روح‌الهی
- (۳) دو بُعدی بودن وجود انسان - دو مراتب بودن آفرینش که مختار خداوند
- (۴) کارگزاری فرشتگان در نظام آفرینش - دو مراتب بودن آفرینش که مختار خداوند



کج ۲۳- از دقت در این سخن امام کاظم علیه السلام که می فرماید: «انّ الله على الناس حجتين، حجة ظاهرة و حجة باطنه» مفهوم می گردد که
است که عقل و دین یک دیگرند.

(سراسری ۹۰ - نوبت صبح)

- (۱) ایمان دینی، مبتنی بر عقل - مکمل
(۲) خداوند بر انسان حجت را تمام کرده - مکمل
(۳) ایمان دینی، مبتنی بر عقل - مؤید
(۴) خداوند بر انسان حجت را تمام کرده - مؤید

کج ۲۴- خشنودی یا پشیمانی بعد از تحقّق عمل، نشانی بر وجود در انسان است که آیهی شریفه‌ی حاکی از آن است.

(سراسری ۹۰ - نوبت صبح)

- (۱) اختیار - «لا اقسام بالنفس اللوامة و لا اقسام بيوم القيامة»
(۲) نفس ملامت‌گر - «لا اقسام بالنفس اللوامة و لا اقسام بيوم القيامة»
(۳) اختیار - «و قل الحق من ربكم فمن شاء فليؤمن و من شاء فليكفر»
(۴) نفس ملامت‌گر - «و قل الحق من ربكم فمن شاء فليؤمن و من شاء فليكفر»

کج ۲۵- از دقت در آیهی شریفه‌ی: «فلينظر الانسانُ مِمَّ خُلِقَ» به تأکید اسلام در که به بیان علی علیه السلام نتیجه‌اش است، پی می‌بریم.

(سراسری ۹۰ - نوبت عصر)

- (۱) خودشناسی - دست‌یابی به بزرگ‌ترین سعادت
(۲) نظر محققانه - دست‌یابی به بزرگ‌ترین سعادت
(۳) خودشناسی - شمول رحمت غیرمحدود خداوند
(۴) نظر محققانه - شمول رحمت غیرمحدود خداوند

کج ۲۶- از دقت در حدیث شریف: «كَيْفَ يَعْرِفُ غَيْرَهُ مِنْ يَجْهَلُ نَفْسَهُ» به تقدّم که وحدت مصداق با عبارت دارد، پی می‌بریم.

(سراسری ۹۰ - نوبت عصر)

- (۱) آگاهی و معرفت بر جهل و ناآگاهی - من عرف نفسه كان بغیره اعرف
(۲) خودشناسی بر جهان‌شناسی - من عرف نفسه كان بغیره اعرف
(۳) خودشناسی بر جهان‌شناسی - من جهل نفسه كان بغیره اجهل
(۴) آگاهی و معرفت بر جهل و ناآگاهی - من جهل نفسه كان بغیره اجهل

کج ۲۷- هرگاه متعلق شناخت، اشیاء، آن گونه که هستند یا خواهند بود یا بایدها و نبایدها باشد به ترتیب، ادراک و ادراک مفهوم می‌گردد که نمودار نخست آن این سخن امیر مؤمنان علیه السلام است که می‌فرماید

(سراسری ۹۰ - نوبت عصر)

- (۱) نظری - عملی - اگر ایمان تنها بر زبان آوردن شهادتین بود، روزه و نماز و هیچ حلال و حرامی تشریح نمی‌گشت.
(۲) علمی - نظری - من خدایی را که نبینم عبادت نمی‌کنم، البته نه با چشم سر بلکه با چشم قلب
(۳) نظری - عملی - من خدایی را که نبینم عبادت نمی‌کنم، البته نه با چشم سر بلکه با چشم قلب
(۴) علمی - نظری - اگر ایمان تنها بر زبان آوردن شهادتین بود، روزه و نماز و هیچ حلال و حرامی تشریح نمی‌گشت.

کج ۲۸- از دقت در آیهی شریفه‌ی: «قالت الأعراب أمتاً قل لم تؤمنوا و لكن قولوا اسلمنا» به که کم‌ترین مرتبه‌ی ایمان به بیان امام صادق علیه السلام می‌باشد، پی می‌بریم.

(سراسری ۹۰ - نوبت عصر)

- (۱) ملازمه‌ی ایمان و عمل - گواهی به وحدانیت خدا و بندگی و رسالت محمد (ص) و اطاعت از حق و شناخت امام زمان خود
(۲) تفاوت مفهومی ایمان و اسلام - بیرون راندن افکار شرک‌آمیز از درون و پاک شدن از آلودگی‌های اعتقادی
(۳) ملازمه‌ی ایمان و عمل - بیرون راندن افکار شرک‌آمیز از درون و پاک شدن از آلودگی‌های اعتقادی
(۴) تفاوت مفهومی ایمان و اسلام - گواهی به وحدانیت خدا و بندگی و رسالت محمد (ص) و اطاعت از حق و شناخت امام زمان خود

کج ۲۹- از دقت در این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله که می‌فرماید: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» مفهوم می‌گردد که وحدت بخش به تمام متعلقات ایمان است و توجه به آیهی شریفه‌ی: «هو الذي أنزل السكينة في قلوب المؤمنين ليزدادوا إيماناً مع إيمانهم» ما را به رهبری می‌کند.

(سراسری ۹۰ - نوبت عصر)

- (۱) توحید و ایمان به خداوند - کسب آرامش درون در پرتو یاد خدا
(۲) ایمان به خدا و رسالت و معاد - ذومراتب بودن ایمان
(۳) توحید و ایمان به خداوند - ذومراتب بودن ایمان
(۴) ایمان به خدا و رسالت و معاد - کسب آرامش درون در پرتو یاد خدا

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی فصل اول

- ۱- گزینه «۱» عبارت سوئی در زبان عرب به معنای «خلقت» است و به ساحت جسمانی انسان تعلق می‌پذیرد و عبارت «توفی» به عمل ملائکه گفته می‌شود که روح را در هنگام مرگ دریافت می‌کنند و وارد عالم برزخ می‌نمایند.
- ۲- گزینه «۱» در این آیه گفته شده است: «هرکس از یاد من دل بگرداند در حقیقت، زندگی تنگی خواهد داشت.»
- ۳- گزینه «۴» عالی‌ترین مرتبه‌ی ایمان به انبیاء تعلق دارد که به صورت عصمت است. ایمان باید همراه با شناخت و معرفت باشد و نماد و جلوه عینی آن، عمل صالح است.
- ۴- گزینه «۳» عبارت «توفی»، گویای استقلال روح بعد از مرگ است.
- ۵- گزینه «۳» این آیه نشان می‌دهد که قرآن، انسان را در کسب ایمان و کفر مسئول و مختار می‌داند.
- ۶- گزینه «۳» باید و نباید حکمت عملی است، بود و نبوده‌ها حکمت نظری هستند و این سخن امام علی (ع) اشاره به شهود عرفانی دارد.
- ۷- گزینه «۴» تنها به یک ابزار معرفت توجه داشتن بیانگر بحران معرفتی است.
- ۸- گزینه «۲» آیه اول بیانگر همراهی معرفت و ایمان است و آیه دوم خشیت را برخاسته از علم و دانش برشمرده است.
- ۹- گزینه «۲»
- ۱۰- گزینه «۱» این سخن امام صادق (ع) بیانگر مرتبه پذیری ایمان است.
- ۱۱- گزینه «۳» حدیث اول امام علی (ع) ارتباط انسان‌شناسی با خداشناسی را نشان می‌دهد و حدیث دوم امام گویای ارتباط انسان‌شناسی با جهان‌شناسی است.
- ۱۲- گزینه «۲» قصور از عدم دگرگونی ثبات در خداشناسی فطری است.
- ۱۳- گزینه «۱» دین شناخت انسان را منحصر به یک ابزار نمی‌داند. این موضوع گویای بحران معرفتی است.
- ۱۴- گزینه «۳» چون در این آیه تاکید شده اعراب اسلام آورده‌اند اما ایمان نیاورده‌اند.
- ۱۵- گزینه «۲» براساس این سخن رسول خدا همه متعلقات ایمان، از ایمان به خدا ناشی می‌گردد.
- ۱۶- گزینه «۱» این سخن امام علی (ع) نشان می‌دهد که خودشناسی راهی است برای درک جهان، زیرا امام فرموده است چگونه غیر خود را تواند شناخت کسی که به خود جاهل است.
- ۱۷- گزینه «۳» در این آیه تأکید شده است خشیت که از لوازم ایمان است، معلول علم و آگاهی داشتن به خداست.
- ۱۸- گزینه «۴» ایمان مبتنی بر معرفت است زیرا بدون معرفت بی اثر است که باید به صورت عمل صالح خود را نشان دهد و مرتبه برتر ایمان عصمت است که در وجود پیامبران متجلی است.
- ۱۹- گزینه «۳» آیه ۲۰ سوره ذاریات است که انسان را بهترین مسیر برای شناخت خداوند دانسته است. از این جهت خودشناسی مقدمه خداشناسی دانسته شده است.
- ۲۰- گزینه «۱» آیه ۴۲ سوره زمر است، یعنی خدا روح مردم را هنگام مرگشان به تمامی باز می‌ستاند. عبارت توفی در این آیه بازگیری روح انسان به طور کامل است که گویای دریافت حقیقت وجود انسان (روح) توسط ملائکه می‌باشد.
- ۲۱- گزینه «۳» در این آیه گفته شده است: آیا انسان به یاد نمی‌آورد که ما او را آفریدیم و حال آن که چیزی نبوده است این آیه خودشناسی را به معنای شناخت استعدادهای درونی خود می‌داند.
- ۲۲- گزینه «۱» این آیه یعنی «و یاد کن هنگامی را که پروردگار تو به فرشتگان گفت من بشری را از گلی خشک، از گلی سیاه و بد بو خواهم آفرید، پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم پیش او به سجده در افتید»، چون هم به شکل‌گیری روح اشاره دارد هم به شکل‌گیری جسم، بیان‌کننده دو بعدی بودن انسان است.
- ۲۳- گزینه «۴» سخن امام کاظم که خطاب به هشام بن حکم بوده است یعنی «خداوند بر مردم دو حجت دارد، حجت آشکار و ظاهری و حجت باطنی؛ حجت آشکار رسولان و انبیا و امامانند و اما حجت باطنی عقول مردمند». از دیدگاه اسلام عقل دین را و دین عقل را تأیید می‌کند.
- ۲۴- گزینه «۳» خشنودی و پشیمانی بعد از انجام یک کار خود دلیلی است بر وجود اختیار در باطن انسان. چنان که در این آیه گفته شده است «بگو دین حق همان است که از جانب پروردگار شما آمد، پس هر که می‌خواهد ایمان آورد و هر کس می‌خواهد کافر گردد.»
- ۲۵- گزینه «۱» یعنی بنگر به انسان که چگونه خلق شده است، لذا اهمیت موضوع انسان‌شناسی یا خودشناسی را می‌رساند. به بیان امام علی خودشناسی همان رسیدن به سعادت است.



- ۲۶- گزینه «۲» امام علی (ع) می‌فرماید: کسی که خود را نمی‌شناسد چگونه غیر خود را تواند شناخت. لذا نشان می‌دهد خودشناسی علتی است برای جهان‌شناسی که در حدیث گزینه دوم باز امام علی در تأکید بر خودشناسی فرموده است؛ «کسی که خود را می‌شناسد غیر خود را نیز خواهد شناخت».
- ۲۷- گزینه «۳» ادراک نظری یعنی شناخت آن‌چنان که هست و ادراک عملی شناخت آن‌چنان که باید باشد، امام علی در اهمیت ادراک نظری، علم حضوری و شهود عرفانی فرموده است «من خدایی را که نبینم عبادت نمی‌کنم، البته نه با چشم سر بلکه با چشم قلب».
- ۲۸- گزینه «۴» ترجمه‌ی آیه یعنی «بادیه نشینان گفتند: ایمان آورده‌ایم بگو ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگویید اسلام آورده‌ایم» از دیدگاه اسلام میان ایمان و عمل ارتباط تنگاتنگی وجود دارد، هر چند از لحاظ مفهومی متمایزند. در برخی روایات آمده است که خداوند یکی را بدون دیگری نمی‌پذیرد. امام صادق در پاسخ فردی که در مورد ایمان سؤال پرسید فرموده است: «کم‌ترین مرتبه‌ی ایمان این است که آدمی به وحدانیت خدا و بندگی و رسالت محمد (ص) گواهی دهد و اطاعت از حق را بپذیرد».
- ۲۹- گزینه «۳» در این آیه خطاب به رسول اکرم گفته شده است: «بگو خدا یکی است تا رستگار شوید» که نشان می‌دهد ایمان متعلقات فراوانی دارد که تمام آن‌ها از ایمان به خدا ناشی می‌گردد». در آیه دوم گفته شده است: «اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزاید». لذا نشان می‌دهد که ایمان دارای درجات و مراتبی است.

تست‌های تالیفی فصل اول

کله ۱- کدام گزینه درست است؟

- (۱) آدمی، قبل از شناخت خود، در جهان پیرامون تفکر کند.
 (۲) آدمی، قبل از شناخت محیط پیرامون، خود را بشناسد.
 (۳) آدمی، باید خوبی و بدی را قبل از هر چیز درک کند.
 (۴) ۲ و ۳

کله ۲- کدام گزینه در موضوع «خودشناسی» ضرورت دارد؟

- (۱) گنجینه‌های فطرت و نهاد خود را کشف کند.
 (۲) فطرت خود را به کمال برساند.
 (۳) امیال نفسانی و شهوانی خود را تعدیل کند.
 (۴) هر سه مورد

کله ۳- انسان که به دلیل غفلت از خویش، گرفتار خسران می‌گردد چه وضعیت کلی بر او عارض می‌گردد؟

- (۱) از مرتبه‌ی انسانیت، به مرتبه‌ی حیوانیت، تنزل پیدا می‌کند.
 (۲) پیوند خود را با جهان پیرامون گسسته می‌بیند.
 (۳) استعدادهای او در مرحله‌ی بالقوه باقی می‌ماند.
 (۴) حرکت و رفتار او جلوه‌ی متعالی خود را از دست می‌دهد.

کله ۴- دعوت به شناخت انسان از توصیه‌های چه کسانی بوده است؟

- (۱) پیامبران، عالمان اخلاق، عارفان و فیلسوفان
 (۲) عرفا، متکلمان، روانشناسان
 (۳) فیلسوفان، متکلمان، روانشناسان، علمای حقوق
 (۴) علمای اجتماع، حقوقدانان، پیامبران و امامان

کله ۵- منظور از شناخت خود، چه می‌باشد؟

- (۱) درک ارتباط مستمر خود، با خدای خویش
 (۲) درک استعدادها و نیروهای خود، برای فهم خود و جهان پیرامون و تکامل انسانی‌اش
 (۳) درک منزلت خود در میان موجودات جهان
 (۴) هر سه مورد

کله ۶- در قرآن کریم کدام عبارت زیر، بیانگر توجه به خودشناسی نیست؟

- (۱) «انسان، باید بنگرد از چه چیزی آفریده شده است.»
 (۲) «در زمین و آسمان بنگرید؛ آیا آثار خدا را نمی‌بینید؟»
 (۳) «آیا انسان به یاد نمی‌آورد که ما او را آفریدیم و حال آنکه چیزی نبوده است؟»
 (۴) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خود بپردازید.»

کله ۷- معبد «دلفی» در کجا قرار دارد؟

- (۱) روم باستان
 (۲) ایران کهن
 (۳) بین‌النهرین
 (۴) یونان باستان

کله ۸- در آثار بجای مانده از معبد دلفی، کدام موضوع برجسته نشان داده شد؟

- (۱) اعتقاد به خدانشناسی
 (۲) اعتقاد به خودشناسی
 (۳) اعتقاد به اصل معاد
 (۴) اعتقاد به اطاعت از پیامبران

کله ۹- کدام موضوع مورد توجه سقراط بوده است؟

- (۱) ایجاد حاکمیت دینی
 (۲) خودشناسی و توجه به نیروهای درونی
 (۳) اعتقاد به وحدانیت خداوند در هر شرایط زمانی و مکانی
 (۴) پیوند انسان، خدا و جهان

کله ۱۰- کدام دانشمند غربی گفته است: «انسان قبل از هر چیز باید به ارزیابی و شناخت دقیق توانایی خود بپردازد»؟

- (۱) هابس
 (۲) دکارت
 (۳) کانت
 (۴) کنت

کله ۱۱- «انسان»، در چه شرایطی می‌تواند استعدادهایش را شکوفا می‌سازد؟

- (۱) با خدانشناسی
 (۲) با خودشناسی
 (۳) با تشخیص پیوند خود با هستی
 (۴) هر سه مورد

کله ۱۲- کدام پرسش در موضوع انسان‌شناسی بیان می‌گردد؟

- (۱) آیا حدود وجودی انسان در حد سایر حیوانات است یا قدرت تعالی و رشد و پرواز کردن دارد؟
 (۲) اگر قدرت تعالی و پرواز به عالم ملکوت را دارد، تا چه حد می‌تواند پرواز کند.
 (۳) اگر انسان، از قدرت تعالی و پرواز خود استفاده نکند؛ و از سرمایه وجودی خود بهره نبرد آیا شایسته‌ی مذمت نیست؟
 (۴) هر سه مورد



- ۱۳- طرح این پرسش که، نیازهای روحانی انسان کدام است؟ و چگونه برآورده می‌شوند؟ و سپس متکامل می‌گردند؟ با شناخت کدام امر امکان پذیر است؟
- (۱) شناخت خدا (۲) شناخت انسان (۳) شناخت معاد (۴) شناخت خدا و آخرت
- ۱۴- شناخت جهان، چگونه ممکن است؟
- (۱) بعد از شناخت انسان و تعامل انسان با جهان (۲) پس از خداشناسی و تعامل فرد با خدا (۳) درک جایگاه فکری خود در نظام هستی (۴) ۱ و ۲
- ۱۵- پاسخ این سؤال اساسی که، موجودی که از آن به «من» تعبیر می‌کنیم؛ چه اندازه در شناخت سهم دارد، نیازمند به کدام موارد زیر است؟
- (۱) شناخت خدا (۲) شناخت انسان (۳) شناخت خدا و جهان (۴) شناخت معاد
- ۱۶- این سخن امام علی(ع)؛ کدام امور را مقدم بر هر شناختی می‌داند؟
- «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ كَانَتْ لَيْعِيْرَهُ اَعْرَفًا وَمَنْ جَهَلَ نَفْسَهُ كَانَتْ لَيْعِيْرَهُ اَجْهَلًا.»
- (۱) انسان شناسی (۲) خداشناسی (۳) نبوت شناسی (۴) روان‌شناسی
- ۱۷- کدام شخصیت زیر فرموده است: «کسی که خود را بشناسد دیگری را بهتر می‌شناسد و کسی که به خود جاهل است به دیگران جاهل تر است»؟
- (۱) رسول اکرم(ص) (۲) امام علی(ع) (۳) امام صادق(ع) (۴) امام رضا(ع)
- ۱۸- معرفت خداوند ریشه در کدام امور دارد؟
- (۱) فطرت (۲) تعقل (۳) تدبیر (۴) عبادت
- ۱۹- کدام گزینه درست است؟
- (۱) چون فطرت آدمی با شناخت خدا همراه است، دعوت به خودشناسی همان دعوت به خداشناسی است.
 (۲) چون انسان موجودی فطری است، دعوت به جهان‌شناسی همان خودشناسی است.
 (۳) انسان به حکم غریزه و عقل، حرکت و تمایل به شناخت خود و خدا را دارد.
 (۴) پیوند انسان با خدا، امری منقطع و تفویضی است.
- ۲۰- این سخن امام علی(ع) مؤید چه امری است؟ «خدایا تو قلبها را با محبت خود و عقلها را با معرفت خود سرشته‌ای»
- (۱) خودشناسی، مقدمه‌ی معرفت پیدا کردن به هستی است.
 (۲) خودشناسی، مقدمه‌ی محبت و معرفت به جهان است.
 (۳) خودشناسی، مقدمه‌ی محبت و معرفت به جهان است.
 (۴) هر سه مورد
- ۲۱- چگونه شناخت انسان، آدمی را به شناخت خداوند می‌رساند؟
- (۱) انسان، موجودی وابسته و امکانی است.
 (۲) انسان، نمی‌تواند ذاتاً وجود داشته باشد.
 (۳) انسان، موجودی نسبی است؛ لذا نیاز به آفریننده دارد.
 (۴) هر سه مورد
- ۲۲- این آیه قرآن کریم بیانگر چه موضوعی است؟
- «در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است و در وجود خود شما آیا نمی‌بینید؟»
- (۱) توجه به ساختار پیچیده‌ی انسانی، آدمی را به شناخت خدا می‌رساند.
 (۲) توجه به شناخت خدا او را به شناخت انسان توانا می‌گرداند.
 (۳) توجه به اصل توحید، انسان را به شناخت معاد می‌رساند.
 (۴) ۱ و ۳
- ۲۳- کدام موارد زیر می‌تواند در حل مشکلات انسان نقش داشته باشد؟
- (۱) آگاهی از هدف خلقت خود (۲) موقعیت خود در نظام هستی (۳) تأثیر زندگی دنیوی در حیات اخروی (۴) هر سه مورد
- ۲۴- کدام مکتب، درک درست‌ی از حیات انسان ندارد؟
- (۱) اگزیستانسیالیسم الحادی (۲) سرمایه‌داری (۳) مکاتب تبعیض نژادی (۴) هر سه مورد
- ۲۵- دلیل حرکت انسان به سوی مکاتب الحادی و غیر دینی کدام است؟
- (۱) ناآگاهی از جایگاه خود در نظام هستی (۲) عدم درک درست و اصولی از وجود خویش (۳) عدم کشف رابطه‌ی دائم خود و خدا (۴) هر سه مورد



کله ۲۶- انسان چگونه می تواند به آرامش حقیقی دست یابد؟

- (۱) با فطرت و تعقل (۲) با تعقل و خردمندی (۳) با فطرت و دل (۴) با شرع و دل

کله ۲۷- منظور از آرامش راستین انسان کدام است؟

- (۱) انس با خدا و تبعیت از فرامین الهی (۲) وجود رفتارهای متمایل به وجود انسان
(۳) اصل اعتقاد به وجود انسان (۴) رسیدن به شناخت انسان و خدا

کله ۲۸- از نگاه مادیگرایان، قوانین مادی که از طریق آن می توان انسان را شناخت کدامند؟

- (۱) عقل و دل (۲) دل و حواس (۳) حس و تجربه (۴) عقل و استدلال

کله ۲۹- با توجه به دیدگاه مادیگرایان، کدام گزینه در مورد وجود انسان صحیح نیست؟

- (۱) انسان با مرگ، وارد جهان مادی دیگر می شود. (۲) انسان، دارای مرگ مطلق است.
(۳) انسان با مرگ، به نیستی و زوال محض می رسد. (۴) جهان بعد از مرگ وجود ندارد.

کله ۳۰- کدام گزینه براساس دیدگاه الهیون صادق است؟

- (۱) انسان دارای مرگ مطلق است. (۲) حقیقت وجود انسان «روح» است.
(۳) مرگ به معنای زوال جسم نیست. (۴) روح انسان ابزار عالم جسمانیت او است.

کله ۳۱- کدام گزینه معرف دیدگاه اسلام در مورد «روح» است؟

- (۱) بعد غیرمادی وجود انسان با ابزار حس و تجربه درک نمی گردد.
(۲) روح، زیرینا و حقیقت وجود انسان است.
(۳) جسم، قادر است بر روح انسان تأثیرگذار باشد.
(۴) هر سه مورد

کله ۳۲- قرآن کریم انسان را چگونه موجودی می داند؟

- (۱) جسمی - روحی (۲) روحی (۳) جسمی (۴) تکساحتی

کله ۳۳- این آیه به کدام موضوع اشاره دارد؟ «ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِهِ»

- (۱) تکساحتی بودن وجود انسان (۲) دو ساحتی بودن وجود انسان (۳) اثبات امکان معاد (۴) اثبات ضرورت معاد

کله ۳۴- این آیه قرآن کریم بیانگر کدام موضوع است؟

«و ایاد کن، ا هنگامی را که پروردگار تو به فرشتگان گفت: من بشری را از گلی خشک، از گلی سیاه و بدبو خواهم آفرید پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم پیش او به سجده در افتید.»

- (۱) تکساحتی بودن وجود انسان (۲) دو ساحتی بودن وجود انسان (۳) اثبات امکان معاد (۴) اثبات ضرورت معاد

کله ۳۵- عبارت «تسویه» در قرآن کریم بیانگر کدام موضوع است؟

- (۱) اینکه جسم انسان به صورت اعتدال و به دور از افراط و تفریط آفریده شده است.
(۲) جسم انسان از شکل گیری بعد روحی آفریده شده است.
(۳) روابط پایداری میان جسم و روح انسان وجود دارد.
(۴) اینکه انسان از نطفه (جسم) آفریده شده است.

کله ۳۶- خداوند کدام بعد وجود انسان را به خود نسبت داده است؟

- (۱) جسم (۲) روح (۳) روح و جسم (۴) شخصیت

کله ۳۷- چرا خداوند، بعد روحی انسان را به خود نسبت داده است؟

- (۱) به دلیل پایدار بودن آن (۲) به دلیل غیرمادی و مجرد آن (۳) به دلیل شرافت و منزلت برتر آن (۴) هر سه مورد



کله ۳۸- عبارت روح خدا، چه نوع اضافه‌ای محسوب می‌گردد؟

- (۱) تشبیهی (۲) توضیحی (۳) استعاری (۴) تشریفی

کله ۳۹- سرنوشت انسان پس از مرگ چگونه است؟

- (۱) بعد از آن با جسم دیگری به حیات خود ادامه می‌دهد. (۲) به همراه بدن به نابودی کشیده می‌شود.
(۳) در عالم برزخ به حیات خود ادامه می‌دهد. (۴) وارد قیامت کبری می‌گردد.

کله ۴۰- این آیه‌ی قرآن کریم به کدام مورد اشاره دارد؟ «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا»

- (۱) فناپذیری روح انسان، بعد از مرگ جسم (۲) رستاخیز جسم انسان، در عالم بعد از مرگ
(۳) فنا ناپذیری روح و حضور آن در عالم برزخ (۴) پیدایش چهره‌ی مادی و غیر مادی انسان در برزخ

کله ۴۱- این آیه‌ی قرآن کریم بیانگر کدام موضوع است؟ «فَلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وَاكَلَتْكُمْ ثُمَّ إِلَيْ رَبِّكُمْ تَرْجَعُونَ»

- (۱) پایداری روح انسان و حضور آن در عالم برزخ (۲) پیوستن جسم به روح در عالم برزخ
(۳) اصل جسمانیت معاد (۴) هر سه مورد

کله ۴۲- کلمه «توفی» در آیات قرآن کریم به چه معناست؟

- (۱) دیدن (۲) اخذ و گرفتن (۳) دگردیسی (۴) عالم برزخ

کله ۴۳- این آیه قرآن کریم بیانگر چه امری است؟ «وَلَا تَخْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»

- «هرگز، کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند؛ مرده مپندارید بلکه زنده‌اند، که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»
(۱) اینکه عالم روحانی بعد از نابودی جسم وجود دارد. (۲) اینکه شهیدان در عالم دیگر از حیات برخوردارند.
(۳) اینکه میان جسم و روح ارتباط وجود دارد. (۴) هر سه مورد

کله ۴۴- چه کسانی بسیط بودن و عدم انقسام روح را بیان کرده‌اند؟

- (۱) عرفا (۲) متکلمان (۳) مفسران قرآن (۴) فلاسفه

کله ۴۵- کدام بعد وجود انسان است که او را از حیوانات متمایز می‌گرداند؟

- (۱) جسم (۲) روح (۳) روح و جسم (۴) درون انسان

کله ۴۶- چه کسانی حکمت را به دو بخش نظری و عملی تقسیم کرده‌اند؟

- (۱) عرفا (۲) متکلمان (۳) فلاسفه (۴) انبیاء

کله ۴۷- کدام نوع حکمت با موضوع «آنچنانکه هست» سر و کار دارد؟

- (۱) نظری (۲) عملی (۳) دینی (۴) توحیدی

کله ۴۸- کدام نوع حکمت با موضوع «آنچنانکه باید باشد» سر و کار دارد؟

- (۱) نظری (۲) عملی (۳) دینی (۴) توحیدی

کله ۴۹- کدام نوع حکمت با «شدن‌ها» سر و کار دارد؟

- (۱) دینی (۲) انسانی (۳) نظری (۴) عملی

کله ۵۰- تمایز میان حکمت نظری و عملی از کدام ناحیه است؟

- (۱) در متعلق شناخت است نه در قوه‌ی شناخت (۲) در قوه‌ی شناخت است نه در متعلق شناخت.
(۳) در ایمان انسان نه در عقل و فهم انسان. (۴) در عقل و فهم انسان است نه در ایمان و عمل.

کله ۵۱- علم انسان «به درختی که در مقابل او قرار گرفته است»، اشاره به کدام نوع علم دارد؟

- (۱) حصولی (۲) حضوری (۳) غیر اکتسابی (۴) بی‌واسطه

کله ۵۲- در کدام علم، انسان مستقیماً به متعلق شناخت و یا وجود واقعی و عینی آن آگاهی دارد؟

- (۱) حصولی (۲) حضوری (۳) اکتسابی (۴) با واسطه



- ۵۲- آگاهی انسان به «حالات روانی احساسات و عواطف خود» بیانگر کدام نوع علم است؟
 (۱) حصولی (۲) حضوری (۳) اکتسابی (۴) با واسطه
- ۵۴- آگاهی در تصمیم‌گیری بر یک عمل مربوط به کدام نوع علم است؟
 (۱) حصولی (۲) حضوری (۳) اکتسابی (۴) با واسطه
- ۵۵- در کدام نوع علم گفته می‌شود: «ماهیت آن برای عالم حاضر است نه وجودش»؟
 (۱) غیراکتسابی (۲) بی واسطه (۳) حصولی (۴) حضوری
- ۵۶- کدام نوع علم است که موضوع آن خدا و امور مرتبط با خدا است؟
 (۱) حصولی (۲) حضوری (۳) شناخت درونی (۴) شهود عرفانی
- ۵۷- کدام شخصیت زیر فرموده است: «من خدایی را که نبینم عبادت نمی‌کنم، البته نه با چشم سر، بلکه با چشم قلب.»
 (۱) رسول اکرم (ص) (۲) امام علی (ع) (۳) امام صادق (ع) (۴) امام باقر (ع)
- ۵۸- این سخن که: «من خدایی را که نبینم عبادت نمی‌کنم البته نه با چشم سر بلکه با چشم قلب» بیانگر کدام نوع علم است؟
 (۱) شهود عرفانی (۲) استدلالی (۳) حسی و تجربی (۴) عقلی و شهودی
- ۵۹- قوای علم حصولی کدام است؟
 (۱) دین و عقل (۲) عقل و دل (۳) حس و تجربه (۴) حس و عقل
- ۶۰- کدام قوه، توانایی درک مفاهیم کلی را دارد؟
 (۱) حسی و تجربی (۲) عقلی و تجربی (۳) عقلی (۴) عقلی و شهودی
- ۶۱- مصادیق بارز تفکر عقلانی کدام است؟
 (۱) ریاضیات و طبیعیات (۲) ریاضیات و فلسفه (۳) فلسفه و دین (۴) فلسفه و منطق
- ۶۲- کدام نوع علم است که انسان از طریق معلوماتی که در اختیار دارد و با کمک استدلال به معلومات جدید آگاهی پیدا می‌کند و این معلومات، حسی و غیر حسی هستند؟
 (۱) فلسفه (۲) منطق (۳) ریاضیات (۴) علوم انسانی
- ۶۳- پی بردن به هوش و استعداد یک فرد از روی آثارش نیازمند کدام امر است؟
 (۱) تفکر دینی (۲) برهان عقلی (۳) رهیافت فلسفی (۴) برهان تجربی
- ۶۴- اینکه ما از استحکام و علمی بودن کتاب یک مؤلف به میزان علم و آگاهی او پی می‌بریم یا از روی نظم و هماهنگی دقیق جهان به ناظم حکیم و عالم پی می‌بریم نیازمند چه نوع معلوماتی است؟
 (۱) دینی (۲) شهودی (۳) حسی و تجربی (۴) عقلانی
- ۶۵- حوزه‌ی شناخت عملی به کدام گزینه‌ی زیر اشاره دارد؟
 (۱) بایدها و نبایدها (۲) خوبی‌ها و بدی‌ها (۳) هست‌ها و نیست‌ها (۴) ۱ و ۲
- ۶۶- کدام حکمت، عبارت از: عمل به تکالیف و وظایف انسان است؟
 (۱) نظری (۲) عملی (۳) عقلی (۴) شهودی
- ۶۷- علوم تربیتی و مکاتب تعلیم و تربیت مربوط به کدام نوع علم می‌باشند؟
 (۱) نظری (۲) عملی (۳) عقلی (۴) شهودی
- ۶۸- روح انسان از چه ابعادی برخوردار است؟
 (۱) شناختی - عرفی (۲) شناختی - عقلی (۳) شناختی - بینشی (۴) شناختی - گرایشی



۶۹- کدام بُعد وجودی انسان، همان تمایلاتی هستند که با روح انسان سرشته شده‌اند؟

- (۱) شناختی (۲) دینی (۳) گرایشی (۴) بینشی

۷۰- کدام گزینه به این عبارت اشاره دارد: که هر فردی، هر چند در حد بسیار ضعیف و نهفته از آن بهره‌مند هست و آنها را در خود به طور بدیهی احساس می‌کند؟

- (۱) شناختی (۲) بینشی (۳) گرایشی (۴) عقلی

۷۱- کدام گزینه، در مورد بُعد گرایشی انسانها صحیح است؟

- (۱) بر اثر عوامل خارجی و القائات محیط و جامعه و تربیت پدید آمده‌اند.
 (۲) عوامل خارجی در رشد و شکوفایی دیدگاه‌ها اثر ندارند.
 (۳) میل به دانش و پرستش خدا از جمله‌ی گرایشهای انسانی است.
 (۴) گرایش‌ها؛ تمایلاتی غریزی هستند.

۷۲- کتاب «تجربه دینی بشر» از کدام شخصیت است؟

- (۱) ادوارد براون (۲) نینیان اسمارت (۳) اسملر (۴) میشلز

۷۳- کدام شخصیت گفته است: «در سراسر تاریخ و در ورای نهانگاه‌های تاریخ کهن‌ترین فرهنگ‌های نژاد بشری دین، مشخصه‌ی اصلی و فراگیر حیات بشری است. برای فهم تاریخ و حیات بشری فهمیدن دین ضروری است.»

- (۱) براون (۲) اسمارت (۳) اسملر (۴) میشلز

۷۴- مفهوم «شیء مقدس» از چه دورانی رایج گشته است؟

- (۱) با ظهور تمدن‌های انسانی در دوران باستان
 (۲) در عصر مدرنیسم با ظهور پدیده‌ی الحادی‌گری
 (۳) از همان آغاز، بخشی از تجربه‌ی بشری بوده است.
 (۴) ریشه در تعالیم انبیا بدور از جایگاه فطرت بوده است.

۷۵- نوع تکامل یافته‌ی بشر ماقبل ۱۵۰ هزار سال پیش چه نام داشت؟

- (۱) ترانسفورمیسم (۲) فیکسیسم (۳) نتاندرتال (۴) ساپاتین

۷۶- چگونگی مراسم خاکسپاری نوع ابتدایی بشر در ۱۵۰ هزار سال پیش گویای چه امری است؟

- (۱) اعتقاد به نوعی زندگی پس از مرگ و عالم غیب
 (۲) اعتقاد به مبدأ متعالی
 (۳) اعتقاد به مبدایی عالم و آگاه
 (۴) اعتقاد به نفی تصادفی بودن جهان

۷۷- دایره‌المعارف فلسفی «برهان اجماع عام بر وجود خدا» از کدام شخصیت است؟

- (۱) اسمارت (۲) اسملر (۳) پل ادواردز (۴) پل باران

۷۸- کدام شخصیت گفته است: «همه قوا و احساسات ذهنی و بدنی ما متعلقات مناسب به خود را دارند وجود این قوا وجود آن متعلقات را ایجاب می‌کند.»؟

- (۱) پل ادواردز (۲) ماکس شلر (۳) پل باران (۴) اسمارت

۷۹- کدام شخصیت گفته است: «چشم با این ساختار فعلی‌اش ایجاب می‌کند که نوری باشد که دیده شود و گوش بدون وجود صوت و صدا قابل تبیین نخواهد بود. به همین روش؛ احساس و میل مذهبی ما وجود خدا را ایجاب می‌کند.»؟

- (۱) ادواردز (۲) ماکس شلر (۳) پل باران (۴) اسمارت

۸۰- کدام شخصیت گفته است: «لا ادری‌گری دینی، یک واقعیت روان‌شناختی نیست بلکه گونه‌ای خودفریبی است.»؟

- (۱) پل ادواردز (۲) ماکس شلر (۳) میخلز (۴) اسملر

۸۱- کدام شخصیت گفته است: «این قانونی بنیادی است که هر روح متناهی یا به خدا اعتقاد دارد و یا به بت. این بت‌ها، بسیار گوناگونند. آنها که بی‌اعتقادند چه بسا دوست، زن، هنر یا علم و یا چیزهای دیگر را همچون خدا تلقی می‌کنند.»؟

- (۱) ماکس وبر (۲) کارل مارکس (۳) ماکس شلر (۴) اسملر

۸۲- کدام شخصیت گفته است: «این بی‌اعتقادی به خدا و اعتقاد به بت است که نیازمند تبیین است. نه اعتقاد به خدا که ذاتی و فطری است.»؟

- (۱) ماکس وبر (۲) کارل مارکس (۳) ماکس شلر (۴) اسملر

۸۳- در قالب کدام بحران است که تنها به ابزار شناخت حسی و تجربی عقیده دارند و عالم را با پدیده‌های زمانمند و مکانمند برابر می‌دانند؟

- (۱) بحران اخلاقی (۲) بحران روانی (۳) بحران معرفتی (۴) بحران فناوری

۸۴- لازمه‌ی کدام روش آن است که امور غیر مادی از دایره‌ی شناخت انسانی بیرون بمانند؟

- (۱) مادیگرایی (۲) نیهیلیستی (۳) الهی محوری (۴) عقل گرایی

۸۵- کدام گزینه در مورد بطلان تفکر مادیگرایی صحیح است؟

- (۱) ابزار حسی و تجربی تنها ابزار شناخت نیست، بلکه قوه‌ی عقلانی و شهود عرفانی نیز گونه‌ای دیگر از ابزار شناخت‌اند.
 (۲) انسان با کمک قوه‌ی عقلانی می‌تواند از امور محسوس به امور نامحسوس راه یابد و با کمک شهود عرفانی، بی‌واسطه امور غیر حسی را مشاهده نماید.
 (۳) محدود کردن ابزار شناخت به حس، عقل و یا شهود عرفانی ناشی از عدم شناخت واقعی انسان است.
 (۴) هر سه مورد

۸۶- دیدگاه اسلام، در مورد ابزارهای شناخت کدام است؟

- (۱) تنها ابزارهای حسی و مادی قابل اعتبار هستند.
 (۲) تنها ابزارهای عقلی و حسی از اعتبار لازم برخوردارند.
 (۳) تمام ابزارهای شناخت از قبیل حس، عقل، شهود عرفانی و وحی الهی قابل اعتبار هستند.
 (۴) تنها ابزار عرفانی و شهودی از اعتبار لازم برخوردار است.

۸۷- نتیجه‌ی تجربه‌گرایی کدام است؟

- (۱) عقل گرایی (۲) دین گرایی (۳) علم گرایی (۴) فضیلت گرایی

۸۸- وظیفه‌ی علوم تجربی کدام است؟

- (۱) پیوند میان روابط طبیعی و غیر طبیعی امور
 (۲) پیوند دادن امور مادی با متافیزیک
 (۳) ارجاع امور عقلی به امور تجربی
 (۴) کشف رابطه‌ی دو پدیده‌ی مادی با همدیگر

۸۹- وظیفه‌ی علوم تجربی در مقابل مسائل متافیزیک کدام است؟

- (۱) سکوت (۲) شک و تردید (۳) اثبات (۴) انکار

۹۰- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) انسان مدرن، به بحران اخلاقی نزدیک گشته است.
 (۲) انسان مدرن، متناسب با بحران اخلاقی به دنبال حل آنهاست.
 (۳) انسان مدرن، با بحران اخلاقی مواجه است.
 (۴) انسان مدرن، با بحران اخلاقی بیگانه است.

۹۱- کدام گزینه، جزء بحران‌های اخلاقی است؟

- (۱) میگزاساری - شهوترانی - همجنس‌بازی
 (۲) تعدی به حقوق دیگران به بهانه‌ی حقوق بشر و دموکراسی
 (۳) برده‌داری نوین و تزلزل کانون خانواده و نقض شخصیت واقعی زن
 (۴) هر سه مورد

۹۲- در جهان معاصر، معیار و ملاک خوبی و بدی اخلاقی است.

- (۱) لذت‌گرایی و سودگرایی مادی (۲) سودجویی و الحادگری (۳) الحادگری و لذت‌گرایی (۴) معضلات روحی و الحادگری

۹۳- ریشه‌ی کدام بحران، غفلت از ساحت غیرمادی انسان و فضایل فطری او و عدم توجه به خدا و تعالیم پیامبران الهی می‌باشد؟

- (۱) بحرانی روانی (۲) بحران اخلاقی (۳) بحران فناوری (۴) بحران معرفتی

۹۴- راه حل فرار از بحران اخلاقی کدام است؟

- (۱) انسان فراتر از بعد مادی، بعد غیر مادی را نیز در نظر بگیرد.
 (۲) توجه به موجودات مادی صرف
 (۳) توجه به امور غیر مادی صرف
 (۴) در نظر گرفتن روابط مناسب پدیده‌های مادی

۹۵- این سخن رسول اکرم (ص) به کدام بحران اشاره دارد؟

«إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ آخِلَاقِ.» «من برانگیخته شدم، تا مکارم اخلاق را به اوج خود برسانم.»

- (۱) بحران اخلاقی (۲) بحران روانی (۳) بحران فناوری (۴) بحران معرفتی



کله ۹۶- کدام گزینه درست است؟

- (۱) امروزه، علوم روانکاوی و روانپزشکی علی‌رغم پیشرفتشان پاسخگوی مشکلات روحی انسان نیستند.
- (۲) امروزه، پیشرفت علوم روانکاوی و روانپزشکی معضلات روحی را از بین برده است.
- (۳) امروزه، پیشرفت قابل توجهی در علوم روان‌کاوی و روان‌پزشکی وجود ندارد.
- (۴) موارد ۱ و ۳

کله ۹۷- ریشه‌ی اصلی، بحران روانی و معنوی کدام است؟

- (۱) از دل مشغولی‌های افراد نسبت به دنیا ناشی می‌گردد.
- (۲) انسان، اتکای خود به خداوند را از دست داده است.
- (۳) انسان، هویت و حقیقت انسانی خود را نشناخته است.
- (۴) گزینه ۲ و ۳

کله ۹۸- در چه قرنی، انسان به نقش دین در حل بحران‌ها پی برده است؟

- (۱) قرن هجدهم
- (۲) قرن نوزدهم
- (۳) قرن بیستم
- (۴) قرن بیست و یکم

کله ۹۹- مطابق پژوهش‌های جامعه‌شناسی در آمریکا، مکزیک و آفریقای جنوبی چند درصد مردم به دین ایمان دارند؟

- (۱) ۷۰ درصد
- (۲) ۸۰ درصد
- (۳) ۹۵ درصد
- (۴) ۶۵ درصد

کله ۱۰۰- عصر حاضر؛

- (۱) عصر زدودن تفکر دینی در عمق جوامع است.
- (۲) عصر بازگشت و بازنگری به دین است.
- (۳) عصر بی‌اعتنایی به مسائل دینی است.
- (۴) عصر نوگرایی دینی و توجه مفاهیم خود ساخته‌ی دینی است.

کله ۱۰۱- کدام مکاتب در حوزه‌ی علم و اندیشه شکست خورده‌اند؟

- (۱) پوزیتیویسم - مارکسیسم
- (۲) مارکسیسم - امپریسم
- (۳) امپریسم - پوزیتیویسم
- (۴) مارکسیسم - کمونیسم

کله ۱۰۲- بر اساس آموزه‌های دینی، راههای شناخت عبارتند از:

- (۱) حس، تجربه، عقل و تفکر
- (۲) حس، عقل، شهود عرفانی و وحی الهی
- (۳) شهود عرفانی، وحیانی، الهی، دینی
- (۴) عقلی، استدلالی، شهودی، عرفانی

کله ۱۰۳- بر اساس کدام ابزار، افقی روشن‌تر از اندیشه و شناخت پیش روی انسان قرار می‌گیرد؟

- (۱) دین
- (۲) عقل
- (۳) تجربه
- (۴) حس

کله ۱۰۴-؛ همواره پشتوانه‌ای استوار برای اخلاق بوده است.

- (۱) علم
- (۲) دین
- (۳) عقل
- (۴) تجربه

کله ۱۰۵- برای کدام گروه عشق و محبت به خدا، انگیزه‌ی عمل به دستورات الهی است؟

- (۱) انبیا و اولیا
- (۲) مؤمنان راستین
- (۳) انسانهای کریم
- (۴) انسان سعادت‌مند

کله ۱۰۶- بخش عمده‌ای از موارد روان‌پریشی و اضطراب به چه عواملی ارتباط دارد؟

- (۱) استغنا از خدا و بی‌معنایی و بی‌هدفی
- (۲) دل‌مشغولی‌های مادی و وجود امکانات ارتباطی نامناسب
- (۳) وجود عوامل غیر اخلاقی در زندگی انسان
- (۴) هر سه مورد

کله ۱۰۷- قرآن کریم کدام گزینه‌ی زیر را معلول روی گردانی از خدا می‌داند؟

- (۱) زندگی مرفه و اشرافی
- (۲) زندگی بی‌هدف
- (۳) حیات مادی بشر
- (۴) زندگی سخت و تنگ

کله ۱۰۸- این آیه‌ی قرآن کریم ارتباط دین با کدام بحران را نشان می‌دهد؟ «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا».

- (۱) بحران روانی
- (۲) بحران اخلاقی
- (۳) بحران معرفتی
- (۴) بحران فناوری

کله ۱۰۹- این آیه بیانگر کدام امور است؟ «لَيْكِي لَا تَأْسُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ».

- (۱) انسان در برابر حوادث سخت اندوهی به خود راه نمی‌دهد.
- (۲) ملامت‌ها و سرزنش‌ها بر اراده‌ی انسان تأثیر ندارد.
- (۳) زندگی تنگ و سخت معلول روی گردانی از خداست.
- (۴) هرگز برای آنچه که از دست رفته است غمگین نمی‌شود.



کله ۱۱۰- آیه‌ی زیر به چه موضوعی اشاره دارد؟ «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا».

- (۱) انسان برای آنچه را که از دست داده است غمگین نمی‌شود.
 (۲) انسان در برابر حوادث سخت، اندوهی به خود راه نمی‌دهد.
 (۳) ملامت‌ها و سرزنش‌ها بر اراده‌ی انسان تأثیر نمی‌گذارد.
 (۴) زندگی تنگ و سخت، معلول روی‌گردانی از خداست.

کله ۱۱۱- این آیه به کدام بحران اشاره دارد؟ «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ».

- (۱) بحران معرفتی (۲) بحران اخلاقی (۳) بحران روانی (۴) بحران فناوری

کله ۱۱۲- روان‌شناسی تجربی، چه دیدگاهی نسبت به دین دارد؟

- (۱) از دیدگاه روان‌شناسی تجربی، معضلات روحی ریشه‌ی معرفتی دارند.
 (۲) از دیدگاه روان‌شناسی تجربی، ایمان دینی؛ در پیشگیری و درمان ناهنجاریهای روحی مؤثر است.
 (۳) از دیدگاه روان‌شناسی تجربی، ایمان دینی؛ نقشی در درمان ناهنجاریهای روحی ندارد.
 (۴) ۱ و ۲

کله ۱۱۳- کدام شخصیت گفته است: «در میان بیماران من حتی یک بیمار وجود نداشت؛ که مشکل او پس از نومییدی از همه وسایل دیگر یافتن چشم‌اندازی دینی به زندگی نبوده باشد».

- (۱) یونگ (۲) جان مک (۳) ماکس شلر (۴) پل ادواردز

کله ۱۱۴- کدام‌یک از گزینه‌های زیر به آرزوی انسان اشاره دارد؟

- (۱) رسیدن به آرامش و امنیت
 (۲) اعتدال در استفاده از امیال و تمایلات مختلف
 (۳) نیل به سعادت و خوشبختی
 (۴) رسیدن به جهان پس از مرگ

کله ۱۱۵- راه رسیدن انسان به سعادت کدام است؟

- (۱) عقل (۲) فطرت (۳) دل (۴) ایمان

کله ۱۱۶- چه چیزی به آدمی نشاط، آرامش و اطمینان قلبی، معنا، امید، شجاعت و هدف می‌بخشد؟

- (۱) عقل (۲) دل (۳) تدبیر (۴) ایمان

کله ۱۱۷- قرآن کریم، کدام گزینه را عامل رستگاری انسان می‌داند؟

- (۱) اعتقاد به معاد (۲) ایمان (۳) عمل (۴) اطاعت از خدا

کله ۱۱۸- قرآن کریم، کدام عامل را از ویژگی‌های پرهیزگاران برشمرده است؟

- (۱) توجه به عالم غیب (۲) کمک به فقرا (۳) ایمان (۴) عبادت

کله ۱۱۹- مطابق نظر قرآن کریم، چه چیزی می‌تواند آدمی را از تاریکیها به سوی نور هدایت کند؟

- (۱) خدا (۲) پیامبر (۳) ایمان (۴) عمل

کله ۱۲۰- کدام گزینه در مورد نقش ایمان نظری مناسب‌تر دارند؟

- (۱) متکلمان اسلامی، بر نقش ایمان در رفتار انسان تأکید دارند.
 (۲) روانشناسان، بر نقش ایمان دینی در بهداشت روان و درمان تأکید دارند.
 (۳) فلاسفه، بر نقش ایمان در استدلال عقلی تأکید دارند.
 (۴) عرفا، بر نقش ایمان در حل مشکلات تأکید دارند.

کله ۱۲۱- جایگاه ایمان در کجاست؟

- (۱) تفکر انسان (۲) قلب انسان (۳) دست انسان (۴) شخصیت انسان

کله ۱۲۲- کدام گزینه درست است؟

- (۱) ایمان، امری است معنوی و حالتی روحی که جایگاه آن قلب آدمی است.
 (۲) شناخت واقعی امور معنوی و روحی از طریق علم حضوری میسر است.
 (۳) با تعریف لفظی نمی‌توان به امور معنوی دست یافت.
 (۴) هر سه مورد



کله ۱۲۳- معنای ایمان چیست؟

(۱) رسیدن (۲) دیدن (۳) داشتن (۴) امنیت داشتن

کله ۱۲۴- مطابق دیدگاه قرآن کریم، ایمان؛ مبتنی بر است.

(۱) عقل و فطرت (۲) معرفت و علم (۳) تفکر و عمل (۴) قلب و دین

کله ۱۲۵- کدام گزینه صحیح است؟

(۱) ایمان، به معنای علم نیست؛ ولی مبتنی بر آن است.

(۲) ایمان، به آنچه می‌شناسیم و آنچه نمی‌شناسیم تعلق دارد.

(۳) ایمان، به معنای علم است؛ ولی مبتنی بر آن نیست.

(۴) ایمان، تجلی یافته‌ی علم و معرفت است.

کله ۱۲۶- این آیه‌ی قرآن کریم، در توصیف چه کسانی است؟ « وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتَهَا اَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ غُلُوًّا. »

(۱) بنی اسرائیل (۲) فرعون (۳) قارون (۴) قوم سبا

کله ۱۲۷- این آیه چه موضوعی را بیان می‌کند؟ « وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتَهَا اَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ غُلُوًّا. »

(۱) ایمان بدون عمل (۲) علم بدون ایمان (۳) ایمان بدون علم (۴) علم بدون عمل

کله ۱۲۸- چرا قوم بنی اسرائیل با وجود تصدیق معجزات حضرت موسی و علم به نبوت او از اطاعت او سرباز زدند؟

(۱) به دلیل سلطه‌ی جاهلیت (۲) به دلیل داشتن روحیه‌ی برتری جویی و ستمکاری

(۳) به دلیل داشتن غرور و تکبر (۴) هر سه مورد

کله ۱۲۹- اینکه شیطان به وجود خدا آگاه بود و او را هزاران سال بندگی کرد، سرانجام ایمان خود را از دست داد بیانگر چیست؟

(۱) علم بدون عمل (۲) عمل بدون علم (۳) علم بدون ایمان (۴) ایمان بدون علم

کله ۱۳۰- این آیه بیانگر چه موضوعی است؟

«در دین اجبار و اکراه وجود ندارد و خداوند راه درست را از راه انحراف روشن کرده است. بنابراین کسی که به طاغوت کافر شود و به خدا ایمان آورد به

رشته محکم و استواری چنگ زده است.»

(۱) کفر و ایمان بعد از تبیین و شناخت راه درست از راه باطل مطرح گردیده است.

(۲) کفر و ایمان مبتنی بر اصل اختیار بوده است.

(۳) ایمان بدون شناخت میسر نیست.

(۴) هر سه مورد

کله ۱۳۱- این آیه بیانگر چه مفهومی است؟ «از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌هراسند.»

(۱) خشم خداوند، شامل حال کسانی است که توحید را انکار می‌کنند.

(۲) خشیت الهی که از لوازم ایمان است ناشی از علم و آگاهی به خداوند است.

(۳) حرکت انسان به سوی معاد برخاسته از ایمان است.

(۴) اعتقاد به معاد بدون خدا بی‌معنی است.

کله ۱۳۲- در اسلام ارتباط دین و عقل چگونه است؟

(۱) تباین (۲) همسویی (۳) تضاد (۴) تناقض

کله ۱۳۳- کدام گزینه صحیح است؟

(۱) اسلام، معتقد است که عقل و دین دو موهبت الهی هستند که خداوند به بشریت داده است.

(۲) رابطه میان عقل و ایمان در اسلام مورد توجه است.

(۳) آدمی با عقل و دین می‌تواند به سعادت جاودانه برسد.

(۴) هر سه مورد



کله ۱۳۴- در کدام آیه، خداوند بدترین جانوران را کسانی می‌داند که «تعقل» نمی‌ورزند؟

- (۱) «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمَّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ.»
 (۲) «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ.»
 (۳) «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا...» (۴) هر سه مورد

کله ۱۳۵- در کدام آیه بر تعقل تأکید شده است؟

- (۱) «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمَّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ.»
 (۲) «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ.»
 (۳) «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا...»
 (۴) هر سه مورد

کله ۱۳۶- در کدام آیه خداوند کسانی را که کورکورانه از پدران خود پیروی می‌کنند نکوهش می‌کند؟

- (۱) «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمَّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ.»
 (۲) «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ.»
 (۳) «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا...»
 (۴) «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا.»

کله ۱۳۷- منظور امام کاظم (ع) از حجت آشکار کدام است؟

- (۱) پیامبر و امام (۲) عقل (۳) رهبران دینی (۴) قرآن کریم

کله ۱۳۸- منظور امام کاظم (ع) از حجت پنهان کدام است؟

- (۱) پیامبر و امام (۲) عقل (۳) رهبران دینی (۴) قرآن کریم

کله ۱۳۹- کدام شخصیت فرمود: «الْعَقْلُ ذَلِيلُ الْمُؤْمِنِ» عقل راهنمای مؤمن است؟

- (۱) پیامبر اسلام (ص) (۲) امام علی (ع) (۳) امام صادق (ع) (۴) امام باقر (ع)

کله ۱۴۰- اسلام؛ گزینش و پیروی از دین را چگونه امکان‌پذیر می‌داند؟

- (۱) با فطرت (۲) با عقل (۳) با دل (۴) با شهود

کله ۱۴۱- با چه امری است که آدمی پیروی از دین را سعادت‌بخش می‌داند؟

- (۱) فطرت (۲) دل (۳) ایمان (۴) عقل

کله ۱۴۲- کدام گزینه درست است؟

- (۱) میان گروههای اسلامی، در پذیرش کلیت «عقل» تفاوت وجود دارد.
 (۲) اختلاف گروههای اسلامی فقط در قلمرو و حیطة کارکرد عقل است.
 (۳) برخی گروههای اسلامی تعقل را به کلی رد کرده‌اند.
 (۴) گروههای اسلامی شریعت را برخاسته از عقل می‌دانند.

کله ۱۴۳- کدام گزینه درست است؟

- (۱) باید در امر دین به «تعقل» توجه نمود.
 (۲) باید در امر دین به استدلال «عقلی» بسنده کرد.
 (۳) استفاده از عقل به معنای کناره‌گیری از وحی است.
 (۴) تقابل آشکاری میان دین و عقل وجود ندارد.

کله ۱۴۴- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) میان ایمان و عمل، ارتباط متقابل وجود ندارد.
 (۲) ایمان و عمل از لحاظ مفهوم یکسان هستند.
 (۳) ایمان و عمل از لحاظ مفهوم یکسان نیستند.
 (۴) ایمان و عمل در مفهوم و مصداق یکسان هستند.

کله ۱۴۵- این آیهی قرآن کریم خطاب به چه کسانی است؟ «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا.»

بادیه‌نشینان گفتند: ایمان آورده‌ایم. بگو، ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگویید اسلام آورده‌ایم.

- (۱) کسانی که به هیچ روی به لوازم عملی ایمان خود پای‌بند نیستند. (۲) کسانی که امنیت خود را با بی‌ایمانی از دست می‌دهند.
 (۳) کسانی که تعقل خود را فدای ایمان کرده‌اند. (۴) هر سه مورد



۱۴۶- کدام شخصیت زیر فرمودند: کمترین مرتبه‌ی ایمان این است که انسان به وحدانیت خدا و بندگی و رسالت محمد (ص) گواهی دهد، و اطاعت از حق را بپذیرد [امام زمان خود را بشناسد]، هر گاه چنین کرد او مؤمن است.»

- (۱) امام رضا (ع) (۲) امام صادق (ع) (۳) امام علی (ع) (۴) امام باقر (ع)

۱۴۷- منظور از ایمان راستین چیست؟

- (۱) ایمان با تقوا (۲) ایمان بدون نیاز به توبه (۳) ایمان توأم با عمل (۴) ایمان در کنار دین

۱۴۸- کدام شخصیت در پاسخ سؤالی که گفته شد: آیا هر کس به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر(ص) گواهی دهد مؤمن است فرمود: «پس واجبات خدا چه می‌شود؟»

- (۱) امام باقر(ع) (۲) امام رضا (ع) (۳) امام علی (ع) (۴) امام حسین (ع)

۱۴۹- کدام شخصیت زیر فرمودند: «اگر ایمان تنها بر زبان آوردن شهادتین بود روزه و نماز و هیچ حلال و حرامی تشریح نمی‌گشت؟»

- (۱) امام باقر(ع) (۲) امام صادق (ع) (۳) امام رضا (ع) (۴) امام علی(ع)

۱۵۰- ایمان حقیقی؛

- (۱) دارای شناخت یکسان است. (۲) درک آن برای همه افراد یکسان است.
(۳) دارای مراتب مختلف است. (۴) همان سرشت و فطرت انسان است.

۱۵۱- کدام گزینه درست است؟

- (۱) ایمان، همیشه در عمل اثرگذار است. (۲) ممکن است ایمان، در عمل فردی تأثیرگذار نباشد.
(۳) ایمان، ثمره و نتیجه‌ی عمل مطلوب است. (۴) ثمره‌ی ایمان، همیشه به صورت عمل نیک متجلی است.

۱۵۲- این آیه‌ی قرآن کریم بیانگر چه موضوعی است؟

«داستان اعمال کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدند؛ داستان خاکستری است که در روز طوفانی بادی سخت بوزد، که هیچ از آن خاکسترها را نمی‌توانند کسب کنند.»

- (۱) عمل بدون ایمان (۲) ایمان بدون عمل (۳) عمل همراه با نیت (۴) عمل همراه با ایمان

۱۵۳- این آیه‌ی قرآن کریم مؤید چه امری است؟

«کسانی که کفر ورزیدند؛ اعمالشان چون سرابی است در بیابان هموار، که تشنه آن را آب می‌پندارد»

- (۱) ایمان بدون عمل (۲) عمل بدون ایمان (۳) ایمان همراه با عمل (۴) نیت بدون عمل

۱۵۴- کدام گزینه در مورد ایمان و اختیار صحیح است؟

- (۱) آدمی در اعمال خود، آزادی و اختیار دارد. (۲) انسان، نخست عمل را می‌سنجد و سپس به آن عمل دست می‌زند.
(۳) انسان، بعد از انجام یک عمل از آن خشنود و یا پشیمان می‌شود. (۴) هر سه مورد

۱۵۵- خشنودی و بشیمانی بعد از انجام یک عمل بیانگر چیست؟

- (۱) ایمان (۲) هدف (۳) فطرت (۴) اختیار

۱۵۶- تنبیه و تحسین کارهای آدمی اشاره به چه چیزی دارد؟

- (۱) درک (۲) هدف (۳) اختیار (۴) فطرت

۱۵۷- نظام جزا و پاداش مؤید چه امری است؟

- (۱) اختیار (۲) فطرت (۳) هدف (۴) ایمان

۱۵۸- کدام گزینه غلط است؟

- (۱) آدم، می‌تواند بر اثر تأمل و تفکر به دین حق ایمان بیاورد.
(۲) انسان، با اختیار است که سعادت دنیا و آخرت خویش را تأمین کند.
(۳) انسان، خلقت و هدایت خود را با اختیار خویش رقم زده است.
(۴) حرکت انسان به سوی خدا زمانی کامل می‌گردد که از روی اختیار صورت پذیرد.

کله ۱۵۹- این آیه به چه موضوعی اشاره دارد؟

«کسانی که آیات ما را دروغ شمرده‌اند و از پذیرفتن آنها تکبر ورزیدند درهای آسمان بر ایشان گشوده نمی‌شود و به بهشت در نمی‌آیند.»

(۱) انکار ایمان، امری فطری است.

(۲) انکار ایمان، ریشه در اختیار انسان دارد.

(۳) خدا ایمان و کفر را در سرشت انسان قرار داده است.

(۴) تکبر، در بعضی مواقع از نشانه‌های ایمان است.

کله ۱۶۰- پذیرش واقعی ایمان باید با چه امری محقق گردد؟

(۱) با تفکر و تأمل

(۲) با فطرت

(۳) با اختیار و آزادی

(۴) با هدایت انبیا و بدون دخالت اختیار

کله ۱۶۱- کدام گزینه از لوازم ایمان به خدا محسوب می‌گردد؟

(۱) اعتقاد به نبوت

(۲) ایمان به معاد

(۳) اعتقاد به کتب آسمانی

(۴) هر سه مورد

کله ۱۶۲- وجود پیامبران برای هدایت انسان بیانگر کدام صفات الهی است؟

(۱) رب - مالکیت

(۲) حکمت - عدل

(۳) رب - حکمت

(۴) علم - قدرت

کله ۱۶۳- ایمان به خدا به صورت مستقیم چه اموری را به دنبال دارد؟

(۱) ایمان به امامت

(۲) ایمان به رسالت

(۳) ایمان به عالم غیب و ملائکه

(۴) ایمان به کتب آسمانی

کله ۱۶۴- وجود پاداش و کیفرهای واقعی در قیامت نشان از کدام صفات الهی دارد؟

(۱) عدل و قدرت

(۲) عدالت و حکمت

(۳) حکمت و قدرت

(۴) ربوبیت و مالکیت

کله ۱۶۵- کدام گزینه نمود واقعی جزا و پاداش است؟

(۱) جزا و پاداشهای اخروی و دنیوی

(۲) جزا و پاداشهای دنیوی و طبیعی

(۳) جزا و پاداش اخروی

(۴) جزا و پاداش قراردادی

کله ۱۶۶- کدام گزینه از متعلقات ایمان است؟

(۱) ایمان به خدا، ایمان به ملائکه، ایمان به آخرت

(۲) ایمان به رسالت پیامبر، ایمان به قرآن و کتب الهی

(۳) ایمان به امامت، ایمان به عالم غیب

(۴) هر سه مورد

کله ۱۶۷- کدام دسته از متعلقات ایمان، از اهمیت بیشتری برخوردارند؟

(۱) ایمان به خدا، ایمان به رسالت، ایمان به معاد

(۲) ایمان به خدا، ایمان به امامت، ایمان به حکمت

(۳) ایمان به نبوت، ایمان به امامت، ایمان به غیب

(۴) ایمان به ملائکه، ایمان به رسالت، ایمان به آخرت

کله ۱۶۸- کدام گزینه، جزو اصول دین در اسلام نیست؟

(۱) ایمان به خدا

(۲) ایمان به رسالت

(۳) ایمان به معاد

(۴) ایمان به قرآن

کله ۱۶۹- این آیه‌ی قرآن کریم به چه موضوعی اشاره دارد؟

«قُولُوا لَإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِبُوا» «بگوئید، هیچ معبودی جز خدای یگانه نیست، تا رستگار شوید.»

(۱) ایمان به هر چیزی، از ایمان به نبوت سرچشمه می‌گیرد.

(۲) ایمان به هر چیزی، از ایمان به خدا ناشی می‌شود.

(۳) زیربنای هر ایمانی، ایمان به آخرت است.

(۴) ایمان به عالم غیب است که، زیربنای هر ایمانی است.

کله ۱۷۰- منظور از عالم غیب کدام است؟

(۱) منظور، همان آخرت و قیامت است.

(۲) منظور، عالمی است که از طریق حواس به دست نمی‌آید.

(۳) منظور، عالمی است که از طریق حواس ظاهری به دست می‌آید.

(۴) منظور، همان ملائکه و کاتبان وحی هستند.

کله ۱۷۱- عالم غیب، چگونه دریافت می‌شود؟

(۱) از طریق عقل، حواس و تجربه

(۲) به هیچ‌وجه، قابل درک نیست.

(۳) از طریق عقل، دل، شهود و حواس

(۴) از طریق عقل یا شهود و رؤیت قلبی



- ۱۷۲- ایمان به کدام گزینه‌ی زیر؛ در واقع جدا کننده‌ی نگرش دینی از نگرش الحادی و مادی گرایانه است؟
 (۱) ایمان به غیب (۲) ایمان به شهادت (۳) ایمان به حق و حقیقت (۴) ایمان به شهود باطنی و دل
- ۱۷۳- انسان، با چه ابزاری می‌تواند وجود برخی اوصاف عالم غیب را اثبات کند؟
 (۱) دل (۲) شهود باطنی (۳) عقل (۴) عقل و شهود
- ۱۷۴- کدام گزینه صحیح است؟
 (۱) ایمان، حقیقتی است دارای درجات و مراتب مختلف.
 (۲) هر چه ایمان فرد قویتر باشد، ظرفیت وجودی او بیشتر بالا می‌رود.
 (۳) با ایمان می‌توان به سعادت دست یافت.
 (۴) هر سه مورد
- ۱۷۵- بالاترین مرتبه‌ی ایمان، کدام است؟
 (۱) فرد، به مقام عصمت می‌رسد، و هدفی جز رضایت خداوند ندارد.
 (۲) فرد، به مقام اعجاز برسد، و هدفش عبودیت خدا باشد.
 (۳) فرد، به مقام وحی برسد، و بطور مستقیم با خدا سخن بگوید.
 (۴) فرد، به درجه‌ی شهود برسد، و باطناً خدا را دریابد.
- ۱۷۶- چه کسانی بحث و استدلال عقلی را در مسائل ایمانی حرام می‌دانستند؟
 (۱) اهل حدیث (۲) معتزله (۳) اشاعره (۴) تشیع
- ۱۷۷- کدام شخصیت کتابی را در تحریم منطق و کلام نوشت؟
 (۱) ابوحنیفه (۲) ابن تیمیه (۳) اشعری (۴) معتزلی
- ۱۷۸- کدام گزینه بیانگر رویکرد اهل حدیث است؟
 (۱) آنان اصولاً و ذاتاً با مبانی عقلی مخالفت دارند.
 (۲) آنان عقل انسانی را مجاز در تشریح آیات قرآن کریم می‌دانند.
 (۳) کاملاً مخالف عقل نیستند و با عقل به دین رجوع نمی‌کنند.
 (۴) هر سه مورد
- ۱۷۹- چرا اهل حدیث بر خلاف عقیده خود به ظاهر قرآن کریم پایبند نیستند؟
 (۱) زیرا در ظاهر قرآن تعارضات بسیاری وجود دارد.
 (۲) زیرا میان آنان گرایش‌های تجسمی و تشبیهی درباره‌ی خداوند دیده می‌شود.
 (۳) زیرا اصول عبادت و اطاعت را درست بر جای نمی‌آورند.
 (۴) هر سه مورد
- ۱۸۰- این آیه‌ی قرآن کریم در بطلان کدام اندیشه و جریان دینی در شناخت خداوند است؟ «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»
 (۱) اهل حدیث (۲) معتزله (۳) اشاعره (۴) تشیع
- ۱۸۱- چه کسانی هر گونه پرسش و تأمل در آیات الهی را بدعت می‌دانستند؟
 (۱) اهل حدیث (۲) معتزله (۳) اشاعره (۴) تشیع
- ۱۸۲- کدام گروه در اسلام به عقل‌گرایی افراطی معروف است؟
 (۱) اهل حدیث (۲) معتزله (۳) اشاعره (۴) تشیع
- ۱۸۳- روش کدام گروه در حقیقت به کار بردن نوعی منطق و استدلال در فهم و درک اصول دین است؟
 (۱) اهل حدیث (۲) معتزله (۳) اشاعره (۴) تشیع
- ۱۸۴- نخستین شرط اعتقاد معتزله کدام است؟
 (۱) حرمت نهادن به تفکرات الحادی- عقلی
 (۲) به کار بردن اصول و مبانی عقلی و تبعیت از قوانین عینی
 (۳) به کار بردن اصول عقلی در تشریح مناسبات وحی
 (۴) حجیت و حرمت دادن به استدلال عقلی است.
- ۱۸۵- کدام قضاوت در مورد رویکرد عقلی معتزله صحیح است؟
 (۱) با عقل می‌توان تمام مناسبات وحی را دریافت.
 (۲) نمی‌توان عقل را میزان و معیار پذیرش تمام آموزه‌های وحیانی دانست.
 (۳) عقل را نمی‌توان در هیچ حوزه‌ای از دین دخالت داد.
 (۴) ۱ و ۳

کله ۱۸۶- چه کسانی سعی داشته‌اند رویکردی معتدل میان عقل‌گرایی افراطی و نقل‌گرایی افراطی ایجاد کنند اما خود دچار جمودگرایی شده‌اند؟

- (۱) اهل حدیث (۲) معتزله (۳) اشاعره (۴) تشیع

کله ۱۸۷- چه کسانی تعادل منطقی میان دخالت عقل و سکوت در مباحث وحیانی را برقرار کرده‌اند؟

- (۱) اهل حدیث (۲) معتزله (۳) اشاعره (۴) تشیع

کله ۱۸۸- از دیدگاه شیعه، احکام الهی دین از چه راه‌هایی در اختیار بشر قرار گرفته است؟

- (۱) عقل و دین (۲) حواس و عقل (۳) عقل و وحی (۴) وحی و دل

کله ۱۸۹- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) میان عقل و دین تعارض وجود ندارد.
(۲) میان احکام عقلی و احکام نقلی دین تعارضی وجود ندارد.
(۳) میان عقل و دین تعارض وجود دارد.
(۴) میان عقل و دین رابطه‌ی عرضی برقرار است.

کله ۱۹۰- کدام گزینه درست است؟

- (۱) در اسلام تنها به عقل برای رجوع به دین استفاده می‌گردد.
(۲) در اسلام تنها برای کشف احکام دینی به عقل مراجعه می‌گردد.
(۳) در اسلام به عقل هم برای رجوع به دین و هم برای کشف احکام دینی اهمیت داده می‌شود.
(۴) در اسلام، عقل توان دخالت در دین و احکام دینی را ندارد.

کله ۱۹۱- مقایسه‌ی اسلام و مسیحیت در مورد دخالت عقل و دین چگونه است؟

- (۱) مسیحیت، ایمان را مقدم بر عقل می‌داند اما در اسلام، عقل بر ایمان مقدم است.
(۲) مسیحیت، عقل را مقدم بر ایمان می‌داند اما در اسلام، ایمان بر عقل مقدم است.
(۳) هر دو آیین، عقل را مقدم بر ایمان می‌دانند.
(۴) هر دو آیین، ایمان را مقدم بر عقل می‌دانند.

کله ۱۹۲- «کی برکه گارد» از جمله‌ی کدام اندیشمندان است؟

- (۱) فلاسفه عقل‌گرا (۲) فلاسفه ایمان‌گرا (۳) فلاسفه حس‌گرا (۴) فلاسفه تجربه‌گرا

کله ۱۹۳- اکثریت قریب به اتفاق فلاسفه‌ی اسلامی کدام رویکرد در باب عقل را پذیرفته‌اند؟

- (۱) شیعه (۲) اهل حدیث (۳) معتزله (۴) اشاعره

کله ۱۹۴- دلیل اساسی ایمان‌گرایی مسیحیت کدام است؟

- (۱) ماهیت غیر عقلی کتاب آسمانی
(۲) تحریف‌های گسترده در کتاب آسمانی
(۳) ماهیت فلسفی - تاریخی تمدن روم باستان
(۴) رازوار بودن و غیرعقلانی بودن اصول آن است.

کله ۱۹۵- عقل‌گرایان مسیحیت از فهم عقلانی کدام اصول خود عاجزند؟

- (۱) ثنویت (۲) تفویض (۳) تعلیل (۴) تثلیث



پاسخنامه تست‌های تألیفی فصل اول

- ۱- گزینه «۲» شناخت انسان، مقدم بر هر شناختی است.
- ۲- گزینه «۴» انسان قبل از هر شناختی باید خود را بشناسد و میان نفس و شهوات اعتدال ایجاد کند.
- ۳- گزینه «۱» اگر انسانی به درستی از امیال و استعدادهاى خویش استفاده نکند به مرتبه حیوانیت تنزل می‌یابد.
- ۴- گزینه «۱» پیامبران، علمای دین و اخلاق و حتی فلاسفه نیز تأکید بر انسان‌شناسی دارند.
- ۵- گزینه «۲» شناخت خود یا خودشناسی یعنی؛ انسان استعدادها و نیروهای وجودی خود را بشناسد تا سپس به فهم خود و جهان اطراف و تکامل انسانی خود گام بردارد.
- ۶- گزینه «۲» گزینه‌ی دوم اشاره به جهان‌شناسی دارد.
- ۷- گزینه «۴» معبد دلفی، در یونان باستان می‌باشد.
- ۸- گزینه «۲» در معبد دلفی ذکر شده است: اول؛ «خود را بشناس بعد وارد شوید».
- ۹- گزینه «۲» سقراط، اولین فردی بود که موضوع انسان‌شناسی را در فلسفه وارد کرد.
- ۱۰- گزینه «۳» کانت، از فلاسفه عقل‌گرای قرن هفدهم است.
- ۱۱- گزینه «۲» با خودشناسی است که انسان باید به شناخت قوای درونی خود پردازد.
- ۱۲- گزینه «۴» این موارد به مباحث خودشناسی اشاره دارد که مقدمه‌ای برای کمال انسانی بوده است.
- ۱۳- گزینه «۲» طرح چنین سؤالاتی مربوط به شناخت انسان است.
- ۱۴- گزینه «۱» شناخت جهان بعد از شناخت انسان ممکن است.
- ۱۵- گزینه «۲» اشاره به مبحث خودشناسی دارد که پیش درآمد جهان‌شناسی بوده است.
- ۱۶- گزینه «۱» در این حدیث؛ امام علی(ع) دلیل شناخت هر چیزی را شناخت «خود» دانسته است.
- ۱۷- گزینه «۲» امام علی(ع)، جهل به غیر خود را جهل به خود دانسته است.
- ۱۸- گزینه «۱» شناخت خدا، امری فطری است.
- ۱۹- گزینه «۱» به موضوع خودشناسی اشاره دارد که مقدمه‌ی خداشناسی می‌باشد.
- ۲۰- گزینه «۲» موضوع محبت در سخن امام علی(ع) اشاره به گرایش فطری دارد.
- ۲۱- گزینه «۴» هنگامی که آدمی به خودشناسی می‌پردازد وابستگی خود را به خدا احساس می‌کند.
- ۲۲- گزینه «۱» شناخت اسرار پیچیده‌ی درون انسان، بهترین مسیر برای شناخت خداوند است.
- ۲۳- گزینه «۴» بسیاری از مشکلات روحی، روانی، فکری و اخلاقی انسان ناشی از خودناشناسی است.
- ۲۴- گزینه «۴» هر سه گزینه به مکاتبی اشاره دارد که شناخت درستی از انسان ندارند.
- ۲۵- گزینه «۲» الحادی‌گری نتیجه‌ی عدم درک درست انسان است.
- ۲۶- گزینه «۲» انسان با تعقل و خردمندی به آرامش راستین دست می‌یابد.
- ۲۷- گزینه «۱» انسان در انس با خداوند است که به آرامش دست می‌یابد.
- ۲۸- گزینه «۳» مادیگرایان، ابزار شناخت را عقل و تجربه می‌دانند.
- ۲۹- گزینه «۱» انسان با مرگ وارد عالم برزخ می‌گردد نه جهان مادی دیگر.
- ۳۰- گزینه «۲» از دیدگاه الهیون، حقیقت وجود انسان روح است نه جسم.
- ۳۱- گزینه «۴» محور همه‌ی تعالیم ادیان الهی، روح آدمی است و اگر به جسم انسان نیز توجه می‌کنند، به دلیل تأثیر آن در روح است. این روح غیر مادی را نمی‌توان با قوانین برخاسته از علوم حسی و تجربی و یا ابزارهای حسی مطالعه و بررسی کرد.
- ۳۲- گزینه «۱» قرآن کریم انسان را موجودی دوبعدی می‌داند.
- ۳۳- گزینه «۲» عبارت «سواه» در این آیه، گویای جسم است و عبارت «روح» نیز به بعد غیرمادی وجود انسان اشاره دارد.
- ۳۴- گزینه «۲» این آیه در ظاهر، تقدم خلقت بعد مادی وجود انسان نسبت به بعد غیرمادی را نشان می‌دهد.

- ۳۵- گزینه «۱» عبارت «تسویه» به معنای خلقت اعضای بدن است که به صورت اعتدال و دور از افراط و تفریط آفریده شود.
- ۳۶- گزینه «۲» البته عبارت «روح» نوعی اضافی تشریفی است.
- ۳۷- گزینه «۳» بعد روحی انسان، شرافت و کرامت انسانی را نشان می‌دهد.
- ۳۸- گزینه «۴» اضافی تشریفی یعنی؛ مطلبی را به صرف شرافت و مقام به موضوعی نسبت بدهند نه اینکه آن مطلب درباره‌ی آن موضوع حقیقی باشد.
- ۳۹- گزینه «۳» عالم برزخ با مرگ انسان آغاز می‌گردد.
- ۴۰- گزینه «۳» به حیات در عالم برزخ و فناپذیری روح انسان اشاره دارد.
- ۴۱- گزینه «۱» این آیه نشان می‌دهد که انسان دارای دو بعد مادی و غیرمادی است و حقیقت آدمی، همان روح غیرمادی است.
- ۴۲- گزینه «۲» کلمه‌ی توفی به معنای اخذ و گرفتن است.
- ۴۳- گزینه «۲» نشان‌دهنده‌ی مراتب حیات انسانها در برزخ است.
- ۴۴- گزینه «۴» عبارت بسیط بودن از زبان فلاسفه نقل شده است.
- ۴۵- گزینه «۲» بعد روحی انسان است که تمایز او را با حیوانات نشان می‌دهد.
- ۴۶- گزینه «۳» فلاسفه حکمت را به دو بعد نظری و عملی تقسیم کرده‌اند.
- ۴۷- گزینه «۱» حکمت نظری با موضوع، «آنچنان که هست» سر و کار دارد.
- ۴۸- گزینه «۲» حکمت عملی با موضوع «آنچنان که باید باشد» سر و کار دارد.
- ۴۹- گزینه «۴» عبارت «شدن» اشاره به حکمت عملی دارد.
- ۵۰- گزینه «۱» در تعلقات شناخت به آنها است نه در بود و نبود قوه‌ی شناخت.
- ۵۱- گزینه «۱» به کلیه‌ی شناخت‌های انسانی که از طریق حواس پنج‌گانه و با تجزیه و تحلیل عقلی برای انسان حاصل می‌گردد.
- ۵۲- گزینه «۲» در علم حضوری است که انسان مستقیماً به متعلق شناخت، آگاهی پیدا می‌کند.
- ۵۳- گزینه «۲» علمی که در آن، حقیقت و ذات اشیاء بدون واسطه‌ی تصاویر و مفاهیم ذهنی به طور مستقیم مورد شناخت انسان قرار می‌گیرد.
- ۵۴- گزینه «۲» آگاهی در تصمیم‌گیری بر یک عمل به علم حضوری اشاره دارد.
- ۵۵- گزینه «۳» در علم حصولی، ماهیت آن برای عالم حاضر است نه وجودش.
- ۵۶- گزینه «۴» عرفان و شهود، محور ارتباط انسان با خداوند است.
- ۵۷- گزینه «۲» مقصود آن است که امام علی (ع) پیش از آنکه اشیاء را مشاهده نماید، خدا را می‌بیند و سپس در پرتو رؤیت خدا به اشیاء آگاه می‌شود.
- ۵۸- گزینه «۱» این سخن امام علی (ع) گویای علم حضوری (شهود عرفانی) است.
- ۵۹- گزینه «۴» قوای علم حصولی حس و عقل است.
- ۶۰- گزینه «۳» عقل تنها توانایی درک مفاهیم کلی را دارد.
- ۶۱- گزینه «۲» ریاضیات و فلسفه، نمونه‌های بارز تفکر عقل هستند.
- ۶۲- گزینه «۳» انسان در علم ریاضیات با معلومات حسی و غیرحسی سروکار دارد.
- ۶۳- گزینه «۲» پی بردن به هوش یک فرد از طریق آثارش نیازمند یک رابطه‌ی عقلی است.
- ۶۴- گزینه «۴» برای پی بردن به مواردی چون علم و آگاهی، نظم و هماهنگی دقیق باید به براهین عقلانی روی آورد.
- ۶۵- گزینه «۴» باید و نبایدها همچنین خوبی و بدی‌ها اشاره به حکمت عملی دارند.
- ۶۶- گزینه «۲» موضوع عمل به تکالیف و وظایف، اشاره به حکمت عملی دارد.
- ۶۷- گزینه «۲» مسائل مربوط به علوم تربیتی، گویای حکمت عملی است.
- ۶۸- گزینه «۴» روح، دارای دو بعد شناختی و گرایشی است.
- ۶۹- گزینه «۳» گرایش‌ها: تمایلاتی هستند که با روح انسان سرشته شده‌اند.
- ۷۰- گزینه «۳» بُعد گرایشی، همان تمایلاتی هستند که با روح انسان سرشته شده‌اند. هر انسانی، ذاتاً از این گرایشها - هرچند در حد بسیار ضعیف و نهفته - بهره‌مند است و آنها را در خود به‌طور بدیهی احساس می‌کند.
- ۷۱- گزینه «۳» این تمایلات، بر اثر عوامل خارجی و القائات محیط و جامعه و تربیت پدید نیامده‌اند. البته عوامل خارجی، در رشد و شکوفایی آنها مؤثرند.



- ۷۲- گزینه «۲» کتاب تجربه دینی از اسمارت است.
- ۷۳- گزینه «۲» «اسمارت» مشخصه‌ی اصلی و فراگیر حیات بشری را «دین» دانسته است.
- ۷۴- گزینه «۳» موضوع مفهوم «شی مقدس» از همان آغاز خلقت بشر مطرح بوده است.
- ۷۵- گزینه «۳» به بشر تکامل یافته قبل از ۱۵۰ هزار سال پیش نشان‌دهنده‌ی نماندنی‌ها گفته می‌شود.
- ۷۶- گزینه «۱» چنین موضوعی اشاره به معاد و جهان پس از مرگ دارد.
- ۷۷- گزینه «۳» این دایرة‌المعارف از «ادواردز» است.
- ۷۸- گزینه «۱» «پل ادواردز» در این مقاله تعبیری از «هاج» نقل می‌کند.
- ۷۹- گزینه «۱» این سخن نشان می‌دهد که انسان‌ها چون از درون، به خداوند و جهان بعد از مرگ اعتقاد دارند، باید پذیرفت که هم خداوند وجود دارد و هم جهان بعد از مرگ، وگرنه چنین استعدادهای و قوایی عبث و بیهوده خواهند بود.
- ۸۰- گزینه «۲» «ماکس شلر» الحادگرایی و بی‌دینی را نوعی خودفربینی دانسته است.
- ۸۱- گزینه «۳» «ماکس شلر» در این سخن «بت‌پرستی» را نیز نوعی گرایش به معبود دانسته است.
- ۸۲- گزینه «۳» یعنی، اعتقاد به خداوند امری بدیهی و فطری است و نیازمند بررسی نیست. اما باید دلیل بت‌پرستی را پیدا کرد چون در باطن انسان ریشه ندارد.
- ۸۳- گزینه «۳» در بحران‌های معرفتی ابزار شناخت حس و عقل است. این بحران ریشه در تفکرات کانت دارد.
- ۸۴- گزینه «۱» برخی تنها ابزار شناخت را حس و تجربه‌ی حسی می‌دانند و آنچه را به چنگ حس و تجربه نمی‌آید، انکار می‌کنند.
- ۸۵- گزینه «۴» انسان باید هر سه ابزار شناخت را معتبر بداند و قلمروهای خاص هر یک را در شمار حوزه‌های شناخت لحاظ کند.
- ۸۶- گزینه «۳» اسلام همه‌ی ابزارهای شناخت از قبیل حس، عقل، شهود عرفانی و وحی الهی را محترم می‌شمارد.
- ۸۷- گزینه «۳» نتیجه‌ی تجربه‌گرایی، علم‌گرایی است، یعنی؛ تنها به علم اصالت دادن.
- ۸۸- گزینه «۴» وظیفه‌ی علوم تجربی؛ پیوند دادن دو پدیده‌ی مادی با همدیگر است لذا در برابر مسائل «ماوراء طبیعت» پاسخ «لادری» دارد.
- ۸۹- گزینه «۱» وظیفه آن سکوت یا لادری‌گری است. متافیزیک همان امور غیرمادی است.
- ۹۰- گزینه «۳» امروزه جهان از رذایل اخلاقی رنج می‌برد. در جهان معاصر، معیار و ملاک خوبی و بدی اخلاق، لذت‌گرایی و سودگرایی مادی است.
- ۹۱- گزینه «۴» هر سه گزینه بیانگر بحران اخلاقی است.
- ۹۲- گزینه «۱» معیار و ملاک دو بحران اخلاقی، لذت‌گرایی و سودگرایی مادی است.
- ۹۳- گزینه «۲» در جهان معاصر، دعوت انسان به ارزش‌ها و فضایل والای انسانی و مبارزه با نفس‌اماره، بی‌معنا شده است و رذایل اخلاقی، براساس این ملاک‌ها، توجیه اخلاقی پیدا کرده‌اند.
- ۹۴- گزینه «۱» برای فرار از بحران اخلاقی، باید به دستورات و تعالیم‌دینی که همان بعد غیرمادی است توجه شود.
- ۹۵- گزینه «۱» این حدیث اشاره به بحران اخلاقی دارد.
- ۹۶- گزینه «۱» علم روانکاوی پاسخگوی مشکلات روحی انسان نیست.
- ۹۷- گزینه «۳» ریشه‌ی اساسی بحران‌های روانی و معنوی عدم شناخت خود است.
- ۹۸- گزینه «۴» در قرن ۲۱، بار دیگر گرایش دینی میان انسانها رواج یافت.
- ۹۹- گزینه «۳» در جوامع پیشرفته و در حال توسعه، گرایش دینی شدیدتر می‌گردد.
- ۱۰۰- گزینه «۲» عصر حاضر عصر بازگشت و بازنگری به دین است.
- ۱۰۱- گزینه «۳» مارکسیسم و کمونیسم در عرصه عمل، اقتصاد و اندیشه، شکست خورده‌اند. لذا برای بشر رنج دیده‌ی امروز مجال تأمل در معنویات و بازگشت به سنت‌های آسمانی فراهم گردیده است.
- ۱۰۲- گزینه «۲» دین، تمام راههای کسب معرفت از قبیل حس - عقل - عرفان و وحی الهی را محترم می‌شمارد.
- ۱۰۳- گزینه «۱» دین، نه تنها انسان را به حوزه‌های خاصی از شناخت محدود نمی‌کند بلکه افقی تازه را پیش روی انسان می‌گشاید.
- ۱۰۴- گزینه «۲» دین، همواره پشتوانه‌ای استوار برای اخلاق بوده است.
- ۱۰۵- گزینه «۲» اوامر و نواهی خدا در قالب وحی برای سعادت آدمی به دست او رسیده‌اند و پیامبران الهی برای تحقق فضایل اخلاقی مبعوث شده‌اند.
- ۱۰۶- گزینه «۱» تمکن مادی و استغنا از خدا، از عوامل ایجاد بحران روانی است.



- ۱۰۷- گزینه «۴» خداوند در سوره طه آیه ۱۲۴ می‌فرماید: هرکس از یاد من روی بگرداند در حقیقت، زندگی تنگ خواهد داشت.
- ۱۰۸- گزینه «۱» این آیه، اشاره به بحران روانی دارد.
- ۱۰۹- گزینه «۴» یعنی هرگز نباید به عوامل مادی دل بست.
- ۱۱۰- گزینه «۲» گویای مقاومت انسان در برابر عوامل ناخوشایند است.
- ۱۱۱- گزینه «۳» گویای بحران روانی است.
- ۱۱۲- گزینه «۲» علم روان‌شناسی نشان می‌دهد که دین در درمان بیماریهای روحی مؤثر است.
- ۱۱۳- گزینه «۱» روان‌شناسی تجربی نیز به اثبات رسانده است که دین و ایمان دینی در پیشگیری و درمان ناهنجاری‌های روانی، بسیار مؤثر است.
- ۱۱۴- گزینه «۳» آرزوی انسان رسیدن به سعادت و خوشبختی است.
- ۱۱۵- گزینه «۴» راه رسیدن انسان به سعادت «ایمان» است.
- ۱۱۶- گزینه «۴» ایمان به انسان نشاط، آرامش و اطمینان قلب می‌بخشد.
- ۱۱۷- گزینه «۲» قرآن کریم، «ایمان» را عامل رستگاری انسان بر شمرده است.
- ۱۱۸- گزینه «۳» قرآن کریم، ایمان را بسیار گرمی می‌دارد.
- ۱۱۹- گزینه «۳» ایمان است که انسان را از تاریکی‌ها به سوی نور هدایت می‌کند.
- ۱۲۰- گزینه «۲» بسیاری از روان‌شناسان، نقش ایمان دینی را در بهداشت روانی و درمان ناراحتی‌های روحی و روانی آدمی، بسیار مؤثر و کارآمد می‌دانند.
- ۱۲۱- گزینه «۲» جایگاه ایمان، قلب انسان است.
- ۱۲۲- گزینه «۴» این سه گزینه می‌رساند که انسان خود باید امور معنوی و روحی را احساس کند و با تعریف لفظی نمی‌توان حقیقت آنها را آشکار ساخت. تنها از گذر شناخت لوازم می‌توانیم تا اندازه‌ای به ماهیت آنها پی ببریم.
- ۱۲۳- گزینه «۴» از نظر لغت، ایمان از ریشه‌ی اَمَن، به معنای امنیت داشتن است.
- ۱۲۴- گزینه «۲» ایمان، مبتنی بر علم و معرفت است.
- ۱۲۵- گزینه «۱» زیرا ایمان به آنچه نمی‌شناسیم، معنا ندارد.
- ۱۲۶- گزینه «۱» قوم بنی‌اسرائیل، نماد معرفت بدون ایمان هستند.
- ۱۲۷- گزینه «۲» این آیه به قوم بنی‌اسرائیل اشاره دارد که به معجزات حضرت موسی (ع) معرفت و یقین داشتند و می‌دانستند که این معجزات روشن از جانب خدا است.
- ۱۲۸- گزینه «۲» قوم بنی‌اسرائیل با وجود آنکه می‌دانستند که این معجزات روشن از جانب خدا است ولی به دلیل روحیه‌ی برتری جویی و ستم‌کاری، آنها را انکار می‌کردند.
- ۱۲۹- گزینه «۳» جایگاه شیطان نیز نماد معرفت بدون ایمان می‌باشد.
- ۱۳۰- گزینه «۴» قرآن کریم، ایمان را مبتنی بر معرفت می‌داند و بدین‌سان، از دیدگاه قرآنی ایمان بدون معرفت، اجر و ارجی ندارد.
- ۱۳۱- گزینه «۲» در اسلام، ایمان مبتنی بر شناخت و معرفت است.
- ۱۳۲- گزینه «۲» در اسلام میان دین و عقل همسویی کامل وجود دارد.
- ۱۳۳- گزینه «۴» از دیدگاه اسلام، ایمان دینی، مبتنی بر عقل است و در حوزه‌ی فلسفه‌ی دین، هنگامی که بحث ایمان و عقل مطرح می‌شود منظور از آن بحث، نسبت دین و عقل است.
- ۱۳۴- گزینه «۱» در اسلام، بدترین جانداران کسانی هستند که عقل دارند، اما حاضر به تفکر نیستند.
- ۱۳۵- گزینه «۴» اسلام در آیات مختلف، بر عقل و خرد تأکید دارد.
- ۱۳۶- گزینه «۳» لازمه‌ی هدایت، اطاعت همراه با عقل است.
- ۱۳۷- گزینه «۱» حجت آشکار، یعنی پیامبران و امامان.
- ۱۳۸- گزینه «۲» حجت پنهان یعنی عقل.
- ۱۳۹- گزینه «۳» امام صادق (ع) فرموده است: عقل راهنمای مؤمن است.
- ۱۴۰- گزینه «۲» در اسلام، با عقل و خرد است که باید دین را انتخاب نمود.



۱۴۱- گزینه «۴» سعادت در داشتن عقل و تفکر است.

۱۴۲- گزینه «۲» اختلاف گروههای اسلامی مربوط به حوزه‌ی عقل و کارکرد آن است.

۱۴۳- گزینه «۱» اسلام، اهمیت فراوانی به عقلانیت داده است.

۱۴۴- گزینه «۳» ایمان و عمل مفاهیم مختلف دارند اما میان آنها ارتباط متقابل وجود دارد.

۱۴۵- گزینه «۱» منظور کسانی است که از ایمان قلبی برخوردار نیستند.

۱۴۶- گزینه «۲» امام صادق (ع)، در بحث کمترین مرتبه‌ی ایمان، این حدیث را بیان فرموده است.

۱۴۷- گزینه «۳» ایمان راستین باید همراه با عمل باشد.

۱۴۸- گزینه «۳» این سخن امام علی (ع) ارتباط متقابل ایمان و عمل را نشان می‌دهد.

۱۴۹- گزینه «۴» این سخن امام علی (ع) نیز نشان می‌دهد ایمان واقعی باید همراه با عمل باشد.

۱۵۰- گزینه «۳» ایمان حقیقی دارای مراتب مختلف است.

۱۵۱- گزینه «۲» ایمان ضرورتاً بر عمل اثرگذار نیست.

۱۵۲- گزینه «۱» بیانگر اوضاع و احوال افرادی است که عمل آنان پشتوانه‌ی ایمان ندارد.

۱۵۳- گزینه «۲» قرآن کریم در این آیه، عمل کافران را مانند سراب می‌داند که واقعیتی ندارد.

۱۵۴- گزینه «۴» این فرآیند، بر اختیار آدمی دلالت می‌کند.

۱۵۵- گزینه «۴» لذت و پشیمانی بعد از انجام یک عمل نشان‌دهنده‌ی اختیار و اراده‌ی انسان است.

۱۵۶- گزینه «۳» بدون اختیار، مجازات افراد بی‌معنی است.

۱۵۷- گزینه «۱» بدون اختیار، پاداش و جزا غیرعادلانه است.

۱۵۸- گزینه «۳» سرنوشت انسان سرنوشتی اختیاری است.

۱۵۹- گزینه «۲» ایمان و کفر دو امر اختیاری هستند.

۱۶۰- گزینه «۳» ایمان حقیقی باید همراه با اختیار باشد.

۱۶۱- گزینه «۴» ایمان به تمام متعلقات، از ایمان به خدا ناشی می‌گردد.

۱۶۲- گزینه «۳» خداوند به اقتضای ربوبیت و حکمت، لازم است که پیامبران را برای هدایت انسان‌ها برانگیزد.

۱۶۳- گزینه «۲» ایمان به خدا، ایمان به انبیاء را در پی دارد.

۱۶۴- گزینه «۲» وجود جهان بعد از مرگ، بیانگر عدالت و حکمت الهی است.

۱۶۵- گزینه «۳» عدالت واقعی در جهان آخرت به وقوع می‌پیوندد.

۱۶۶- گزینه «۴» قرآن در آیات متعددی متعلقات ایمان را برشمرده است که عبارتند از: ایمان به خدا، ایمان به آخرت، ایمان به رسالت پیامبر اسلام و

انبیای گذشته، ایمان به قرآن و کتب الهی پیشین، ایمان به ملائکه، ایمان به امامت، ایمان به عالم غیب.

۱۶۷- گزینه «۱» از میان متعلقات، ایمان به خدا، ایمان به رسالت و ایمان به معاد از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و اصول دین محسوب شده‌اند و دیگر

متعلقات از لوازم اعتقاد به این اصولند.

۱۶۸- گزینه «۴» امامت، جزء اصول مذهب است و مورد توافق شیعه و اهل سنت نمی‌باشد.

۱۶۹- گزینه «۲» پیامبر (ص) این حدیث را در مبحث همه‌ی متعلقات از لوازم ایمان به خداوند فرموده است.

۱۷۰- گزینه «۲» عالم غیب، از طریق حواس ظاهری قابل درک نیست مانند خداوند و ملائکه.

۱۷۱- گزینه «۴» راه درک عالم غیب، عقل و شهود قلبی است.

۱۷۲- گزینه «۱» کسانی که عالم غیب را انکار می‌کنند، مادیرا و الحادگر خوانده می‌شوند.

۱۷۳- گزینه «۳» با عقل، اوصاف عالم غیب قابل اثبات می‌باشد.

۱۷۴- گزینه «۴» این مطالب در مبحث «درجات ایمان» آمده است. بنابراین انسان باید برای تقویت ایمان خویش بکوشد.

۱۷۵- گزینه «۱» بالاترین مرتبه‌ی ایمان، به شکل عصمت، خود را نشان می‌دهد.

۱۷۶- گزینه «۱» اهل حدیث تنها به سنت پیامبر (ص) اعتقاد دارند و رویکرد عقلی ندارند.

- ۱۷۷- گزینه «۲» ابن تیمیة از بزرگان مذهب حنابله است.
- ۱۷۸- گزینه «۳» آنان کاملاً عقل را انکار نمی‌کنند اما عقل را در حد مراجعه به دین و شریعت نمی‌دانند.
- ۱۷۹- گزینه «۲» چون گرایش‌های تشبیهی بعضاً غیرعقلی، نسبت به خدا دارند. گرایش تجسمی، یعنی برای خداوند جسمیت قائل شدن. گرایش تشبیهی، یعنی مثل و مانند برای خداوند قائل شدن.
- ۱۸۰- گزینه «۱» این آیه برخلاف اندیشه اهل حدیث خدا را از هر گونه تشبیهی مبرا می‌داند.
- ۱۸۱- گزینه «۱» در حالی که قرآن کریم، مردم را به تأمل و تفکر فرا می‌خواند.
- ۱۸۲- گزینه «۲» معتزله بیش از حد به عقل و تفکر بها می‌دهند.
- ۱۸۳- گزینه «۲» معتزله، عقل را در حد مراجعه به تمام جزئیات دین می‌دانند.
- ۱۸۴- گزینه «۴» نخستین شرط درک و فهم دین را عقل دانسته‌اند.
- ۱۸۵- گزینه «۱» عقل در جایگاه مراجعه به تمام مناسبات دین و وحی می‌باشد.
- ۱۸۶- گزینه «۳» البته اشاعره نیز در نهایت خود دچار جمود فکری شدند.
- ۱۸۷- گزینه «۴» شیعه میان عقل و وحی اعتدال را پیشه کردند.
- ۱۸۸- گزینه «۳» شیعه، عقل و وحی را در تعامل نزدیک به هم می‌داند.
- ۱۸۹- گزینه «۱» میان عقل و وحی تعامل برقرار است نه تضاد و تقابل.
- ۱۹۰- گزینه «۳» عقل هم در مقام رجوع به دین و هم در مقام کشف احکام دینی قابلیت دارد.
- ۱۹۱- گزینه «۱» مسیحیت چون برای بعضی از اصول خود توجیه عقلی ندارد، ایمان‌گرایی را پیشه کرده است.
- ۱۹۲- گزینه «۲» از فیلسوفان بزرگ ایمان‌گرا بوده است و این سخن اوست که می‌گوید: «ایمان دینی اصیل، هنگامی ظاهر می‌شود که عقل به پایان خود برسد.»
- ۱۹۳- گزینه «۱» چون دیدگاه شیعه مطابق بر عقل است بیشتر فلاسفه آنرا دنبال کرده‌اند.
- ۱۹۴- گزینه «۴» زیرا اصول اساسی آیین مسیحیت، رازوار و غیر عقلانی است و نمی‌توان از طریق عقل، آنها را مستدل کرد.
- ۱۹۵- گزینه «۴» لذا چاره‌ای جز ایمان‌گرایی نیافته‌اند.
- تثلیث: سه خدایی؛ خدای پدر، خدای پسر، روح‌القدس.
 ثنویت: دو خدایی؛ خدای خیر و خدای شر.
 تفویض: واگذار کردن کارها به خداوند.
 تعلیل: بهانه‌جویی و علت آوردن در کار.



آزمون فصل اول

کله ۱- کدام شخصیت زیر فرموده است: «کسی که به خودشناسی دست یابد، به بزرگترین سعادت و کامیابی رسیده است.»؟
 (۱) امام رضا (ع) (۲) امام هادی (ع) (۳) امام علی (ع) (۴) امام باقر (ع)

کله ۲- این سخن امام علی (ع) به چه امری اشاره دارد؟ «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ.»
 (۱) رسیدن به شناخت خداوند، از طریق جهان
 (۲) رسیدن به شناخت خدا، از طریق انسان
 (۳) رسیدن به شناخت انسان، از طریق خدا
 (۴) رسیدن به شناخت انسان، از طریق جهان

کله ۳- نقطه‌ی آغاز رسیدن به کمال کدام است؟
 (۱) شناخت سرمایه‌های وجودی انسان
 (۲) تعادل در امیال
 (۳) شناخت اسرار هستی
 (۴) هر سه مورد

کله ۴- بسیاری از مسائل و مشکلات روحی، روانی، فکری و اخلاقی انسان ناشی از است.
 (۱) رذایل اخلاقی (۲) خودشناسی (۳) خداشناسی (۴) نفی فلسفه‌ی حیات

کله ۵- درباره‌ی حقیقت وجود انسان چه دیدگاه‌هایی وجود دارد؟
 (۱) الهی - دینی (۲) دینی - شهودی (۳) مادی - الهی (۴) مادی - دنیوی

کله ۶- عبارت «تسویه» در قرآن کریم به چه معناست؟
 (۱) انسان به صورت اعتدال خلق شده است.
 (۲) خلقت اعضای بدن و ساحت جسمانی
 (۳) خلقت بعد روحانی بشر
 (۴) پیوند جسم و روح

کله ۷- کدام نوع علم، از طریق صورتها و مفاهیم ذهنی بدست می‌آید؟
 (۱) حصولی (۲) حضوری (۳) غیر اکتسابی (۴) بی‌واسطه

کله ۸- اینکه گفته شود: عدالت خوب است، یا اینکه انسان باید راست بگوید به کدام شناخت اشاره دارد؟
 (۱) نظری (۲) عقلی (۳) عملی (۴) عرضی

کله ۹- کدام شخصیت زیر فرمود: «ایمان تصدیق قلبی و اقرار زبانی و عمل به اعضاء و جوارح است»؟
 (۱) رسول اکرم (ص) (۲) امام رضا (ع) (۳) حضرت علی (ع) (۴) امام باقر (ع)

کله ۱۰- در این حدیث بر چه امری تأکید شده است؟ «هرکس عاقل است دین دارد و کسی که دین دارد به بهشت می‌رود.»
 (۱) عقل (۲) دین (۳) بهشت (۴) نیکوکاری